قانون جزا
۱۲۵۸



دیباچه در ذکر لزوم قانون از افکار حکیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک فی الملک
ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا   مقصود از اینهمه ارسال
رسل و انزال کتب و دعوت انبیا و هدایت اولیا و افکار متألهین
و اقوال علما و یاسای دول و سلاطین و رفتار فرمانروایان و حکمرانان
روی زمین و تاسیس قواعد و قوانین حاصل معنی اینکه و کلمه مقدسه
تدین و تمدن است و بس یعنی علم معاد و معاش بعبارة اخری دینداری
و دنیاداری که سلامتی دارین است

هر کسی بر وفق همت و علم و دانش خویش یکی از این دو علم مقدس را
بکمان اینکه هر دو یکجا دست نمیدهد یا دیگری بیحاصل است اختیار

کرده

کرده دعوت تدین یا تحصیل تمدن را پیشنهاد خاطر خود ساخته
جهان زندگانی را بسر برده اند

کاهی هم بعضی از بزرگان بر هر دو علم تدین و تمدن آگاه شده هر دو را
مستلزم یکدیگر دانسته طریقه اخذ و استفاده معاش و معاد را
پیش کشیده بر ابنای وطن خود نیز درین باب تبلیغات کامله بجای آورده
باب آسایش دارین را بروی آنها باز کرده اند   تحقیق مراتب و بیان
فواید کار و کردار این سه گروه بر اندک تاملی بر صاحبان فکر و طالبان نجات
محقق و روشن است که ناجی کیست و رستگاری بر کدام طایفه مسلم است
زیرا چنانچه در باب حرکات دو گروه اول از خوب و بد بنا بر بنای طبایع
و اختلاف عقاید سخنی برود مثل اینکه بگویند

اهل تمدن با وجود تحصیل اساس ثروت و سلطنت و حصول اسباب
مکنت و قدرت بر اهل تدین تفوق جسته اکثر جاها قهر و غلبه آنها
اینها را فرا گرفته با نعم گوناگون متنعم و از تجملات متاع جهانی متمتع
میباشند ولی متدینین کما ینبغی از تمتعات دنیوی بهره نبرده مجهول
الحال بدنیا آمده و رفته اند امر عاقبتشان هم در هر صورت چنانکه باید
بر کسی معلوم نیست که صالح کیست و طالح کدام است و در حین
جبروت الوهیت پیش آمد حال چه خواهد شد و اهل تدین بامید

ثوابا خروی چشم از لذات دنیوی پوشیده با آلایش متاع جهان
دامن نیالوده در عالم قناعت و رضا و عین فقر و بی چیزی یک
حریت فطری و خوشحالی واقعی در پیش خود دارند و بس بر
خلاف متمدنین که با وجود دولت و زینت ظاهری دایما در تنگنای
حرص و آز بعذاب آرزوی قهر و غلبه و زحمت اند و خسته گرفتار
مانده هرگز بوسعت قناعت و رضا راه نبرده از عالم فتوت و
وارستگی بیخبر از مثوبات آخرت محروم و از حاصل زحمت اندوختها
تهی دست دنیا را گذاشته و گذشته اند

و همچنین تالیفات طرفین در رد و قدح یکدیگر با این قبیل امثال
مفروضه مبسوط و مشحون است

امّا در حق سیمین گروه هرگز بحکم عقل و نقل جای هیچگونه حرفی باقی
نمانده محقق و مسلم کل است   در هر سر زمینی که اعیان ملت
و ارکان دولت و اعضاد ملک و سلطنت بمقتضای عقل و نقل
از این هر دو علم مقدس کامیابی انجام و اجرای اصول و قواعد آنرا
شعار ملت و دثار مملکت کرده متابعت و مطاوعت احکام معینه
و اوامر مقرره را سرمایه دنیا و آخرت و ذخیره نجات و رستگاری
دانسته اند بلا شبهه آن طایفه نزد خدا روسفید در آخرت رستگار

گر توان گفت که حظ زندگانی هم اینست که اینها دارند م

و در دنیا میان عموم ملل روی زمین مجلل و معظم و در نظر معاصرین
مکرم و محترم بوده هم در داخله وطن برای خود و اخلاف خود
آسایش و امنیتی که عمده ارکان زندگانی و بهترین وظیفه انسانیت
حاصل کرده است هم در خارجه آن چنانکه قهر و غلبه هم منظور
نداشته باشد لامحاله از ذلت مقهوری و ننگ مغلوبی رسته در
هر دو جهان رستگار برای اولاد و بازماندگانش نیز وسایل
رستگاری گذارده است که بهترین صفت مردی و مردمی و خوشترین
وضع زندگانی آدمی در اینست که مشکلات پیش آمد حال را
بتدارک و تصرفات عاقلانه باتفاق و یاری معاصرین برای
اخلاف و بازماندگان حل و آسان کرده ابواب نسایم رحمت
ابدی و لذت زندگی جاودانی را بروی خود گشوده بنام نیک
از دنیا روند

مثلاً صوم و صلوة یا دیگر از اصول ارکان دیانت را چنانکه بجهة
سهولت تحصیل علاوه بر اوامر یکه ببنیان تدین است بالسنة
بلسان قوم تالیف کتب و تحریر رسایل و تجدید آرا و اجتهاد
و تکرار و تذکار واجب آمده است که هرگاه چنین نبود صحت
تعلم و اخذ فواید و قواعدش صعوبت پیدا کرده متابعتش

در تیه ضلالت حیران میماندند

همچنین است قواعد و اصول ارکان مدنیه را نیز مثل کوه گران بهای
آسایش و امنیت که رکن اعظم زندگانیست در همه اوقات تعلیم و تعلم
و ضبط و ربط و تجدید و تکمیل و گفت و شنید لازم افتاده که اگر
چنانچه محل اعتنای ابنای وطن نگشته رسایل مرتبه منظم تالیف و
تدوین نگردد و حتی برسم معهود در مکتب خانه‌ها و مدارس طریق
تدریس و تعلیم آنرا پیش نگیرند چنانکه شاید بطور کمال امنیت کلیه
و آسایش عمومی میسر و مرتب نشده طالبان استراحت در بادیه غفلت
سرگشته و سرگردان خواهند ماند

علی ای حال چون معلوم میشود که اوامر و نواهی تمدن و احکام عرفیه
نیز مثل علم تدین هرگاه از روی اصول و فروع در صورت مطابقه
تالیف و تدوین پذیرفته در یک پیکره منظمی بین الناس مجری و معمول
گردد اصلح و اهم بوده عموم ابنای وطن آسوده و امیدوار دعاگوی
دولت پادشاه و خیرخواه حکام و امنا میباشند

و مامورین نظم مملکت نیز در انجام خدمات محوله عالم و آگاه شده از
کیفر خبط و مکافات خطایای خودسرانه خود خلاصی یافته آمر و مأمور
در کمال امیدواری و اطمینان مشاغل لازمه را انجام داده روز بروز

از سلوک

از سلوک بغرضانه و حسن رفتار قانونیه باعلی مراتب ترقیات نایل و مابین
امثال و اقران مایه مباهات و نیکنامی حاصل خواهند کرد

چنانکه در این عهد فیروز مهد از اثر تربیت باسطه و توجهات وافیه
ظل الله الاعلی شاهنشاه جمجاه مالک ملک کیان جالس تخت سلیمان
فریدون فر نوشیروان عصر خسرو صاحبقران اعلیحضرت اقدس شاهنشاه
السلطان بن السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه
هر قبیل متاع دانش و سخن از علوم دینی و دنیوی و اخبار قدیم و
جدید تدینی و تمدنی از تالیف و تحریر بهر السنه و زبان در ممالک
محروسه ایران صانها الله عن طوارق الحدثان رونق افزای مجالس
و محافل ابنای زمان گردیده خورد و بزرگ نزدیک و دور در زیر سایه
ملوکانه همایونش دام الله تعالی اقتداره و متعنا بطول بقائه متمتع
و منتفع میباشند جان همه بندگان خاکپایش را فدا شهریارش جاوید
سلاله پاکش پاینده و برجا باد

لهذا الناس علی دین ملوکهم خوشه‌چین خرمن مکارم این تربیت عام
الفته آغاز و انجام بندگانم   از آنجا که اخذ و انتفاع علوم ترقی
اسلامبولی بنا بر اسلامیت بالنسبه بسایرین با ما نهایت یکجانی دارد
و بنا بر آنکه سالهاست کتب پولتیکیه خارجه را ترجمه کرده با قواعد

اسلامیه تطبیق نموده موافق را داخل و مخالف را خارج ساخته اند
برای مطالعه و استحضار جهة جامعیت داشتن برای اخذ و انتشار
فواید اقتباسیه و تتبعات جدیده از هر جهة اقرب و انسب است چندی
بمطالعه علوم مدنیه و تتبعات پولیتیکیه آن زبان مشغول بوده و محض
امتحان اطلاع خود هر ترجمه و تالیفی که میخواندم بزبان فارسی ترجمه
کرده میگذاشتم

این ایام ادای شرایط بندگی و ایفای وظایف تربیت حاصله در ظل
رافت همایونی را لازمه فراغت تحصیل دانسته این قانون‌نامه را
که از موجبات فواید عمومی و وسایل خدمت تمدنی و نظم امور حکومت
معدود است از میان حاصلات ایام تحصیل محض اختصار بیرون
نویسی کرده پای ملخ از موری عاجزانه بپایه سریر خلافت مصیر
شاهنشاهی روحنا فداه پیشکش نمود

امید از تفضلات بیکرانه بندگان پرور شهریاری که درباره عموم
بندگان در بار خاصه در حق مترجمین سایر السنه و ترجمه‌های آنها شامل
است این نمونه را بها ظهور مراحم تشویقات ملوکانه را بهانه گردیده
هر عیب که سلطان بپسندد هنر است ترجمه و افکار بیغرضانه
چاکر را که نتیجه تربیت سایه معارف آیت شاهنشاهی و متضمن خدمت

وطنی

وطنی و دولتی است رونق و بهائی حاصل آید

تحقیق

زندگی بسته بکوشش زندگانی است (یعنی هر زنده بضرورت بابت
زندگانی از قبیل غذا و لباس و مکان تمکن و سایر لوازم حفظ نفس
و نگاهداری عیال و اولاد محتاج است) کوشش و تدارک زندگانی
و تعیش موقوف بصنعت و هنر است صنعت و هنر میسر نمیشود مگر بتعلم
و خدمت استاد تعلم و خدمت متضمن طول زمان و امتداد چندین
ایامی است که همان ایام خود از مایه گذران یومیه ناگزیر و کفالتش
متعسر و اشتغالش بیش خود مستلزم مشقت و تعدد بوده بجهة
حصول آن چاره و مفری نیست الا آنکه یکدل و یکجهة پناه برند بسوی
ابنای جنس در کمال تواضع و کوچکی و محبت و ارادت قلبی

نتیجه آنکه هیچیک از افراد بنی نوع بشر منفرداً قادر بر تحصیل هیچگونه حوایج
و ملزومات زندگانی و رفع تعسرات آسایش ندارد جز معاونت و
مشارکت یکدیگر معاونت و مشارکت عبارت از پیش گرفتن پیشه و
صنعتی است که مبادلهٔ آنها برای جلب منفعت و رفع مشقت میان مردم
جاری و در کار است قوام معاونت و مشارکت منوط باجرا و استقلال
عدل و معامله (یعنی عاید شدن سود و زیان عمل) است (در صورت

مساوات بتعامل و فاعل آن تا زیاده روی حریصان باعث مأیوسی و افسردگی
کارکنان و هنرمندان نگردد، عدل و معامله شامل همه جزئیات سود و
زیان و حاوی عموم ضروریات غیرمحصوره مشارکت و اتفاق نگردد مگر
بوضع قانون منظمی که مطابقه کامله داشته باشد بقوانین کلیه نبوی ع
یعنی شرع شریعت در لغت عرب بمعنی مورد الشاربه یعنی مکان ورود آب
خورنده و وجه تسمیه قانون کلیه نبوی ع بشرع لاستواء الجماعة فی الانتفاع
منه است یعنی برابری و بی تفاوت بودن عموم مخلوق است در احکام نافعه آن
احکام قانونیه کما ینبغی محفوظ و پایدار نمیماند الا بترک خودخواهی و نفی
زیاده طلبی ترک خودخواهی و نفی زیاده روی ممکن نمیشود مگر بامید
پاداش و بیم کیفر پاداش و کیفر مطابق حال ناس و موافق وضع مملکت
و متداول میان مردم نمیتواند شد الا بتذکار و تکرار و گفت و شنید
قواعد قانونیه

نتیجه آنکه چاره نجات و طریق آسایش و رستگاری معاونت و اتفاق
و اتفاق و معاونت بعدل و معامله و عدل و معامله با قانون و قانون
مراعات طریق جزا و سزای اعمال و افکار پایدار و برقرار نگرفته لازمه
این نتایج هم تذکار و تکرار و گفت و شنید و یکدل و یکجهتی ابنای وطن
است در ارادت و اطاعت دولت و سلطنت

وضع

وضع قانون و مذاکره نظم خود میسر نیست برای شناختن مطیع نیکو
کار و خاین بدکردار

مطیع نیک کردار کسی است بحاصل عمل خود قانع بعدل و مساوات راضی
بعمارت وطن و استقلال دولت شاکر بوده خدمت قوانین معدله و
فواید عمومی را فرض ذمه همت و مردی و فرض عهده فتوت و مردمی بداند
و خاین بدکار مردمانی هستند که بدیده حرص بر منال دولت باز و دست
آز بر مال رعیت دراز کرده مقصودش هرج و مرج خیالش در آشوب
و نفاق بجهت بردن مواجب دیوان و اخذ فواید دیگران بغیر استحقاق
رضا بنظم و ترتیب قانون نداده برای نبودن نظم متوسل بتوطیه و تمهیدات
ناموجه گردیده چون برهانی نتوانند بیاورد متمسک بشگون و تطیر
گردند که العیاذ بالله ایران نفرین کرده حضرت رسول ص و نظم بر باد
نیست آقا را جبه شمسه دار لازم است نظم و قانون بچه کار آید اعوذ
بالله من شرور انفسنا

آقای من خداوند تبارک و تعالی انسان را مدنی بالطبع آفریده و معنی
تمدن همان هیئت اجتماعیه ادارات دولت و کارگذاران حکومتست
ولی بشرط صدق و ارادت در اطاعت اوامر سلطنت و صلاح ملک
و دولت که بدون مخالفت برای توفیر خزینه و ترفیه رعیت و تقویت

لشکر و استحکام سرحد و ثغور مملکت یکدل و یکجهت بوده در تشویق
وطن پرستان دولتخواه و دفع شر خودپرستان بدخواه طریق اجرا
و استمرار جزا و سزای افعال و اقوال همه را از اعلی و ادنی و دور
و نزدیک مرعی و منظور داشته فواید جلیله این مطالب عالیات را
در این دنیا برای العین مشاهده و با خود همراه یافته اگر در آخرت نیز
باعث و بانی رفیق و مصاحب باشند دیگر بهتر و نور علی نور است
امید که العذر عند کرام الناس مقبول عبارات این مذاکره ازین
بی بضاعت در نزد دانشمندان پذیرفته آید که غرض اصلی عرض نمونه
است نه فرض عمل به این دستور العمل مخصوص نیز اگر امروز برای
هیچ سخنگو سخن تازه که گفته نشده باشد نیست مگر انتقالات
افهام و اذهان را یک نسبت تازگی تواند داد که نکات اسلاف را
خوب منتقل شده قریب بفهم عوام بیانی کند و آنهم چون خارج از
اصطلاح علمی و رسوم معمول ملائی باید بوده باشد البته خالی از
عیوب نخواهد بود انشاء الله پس از مذاکره و مقاوله ارباب خبر
و دانشمندان وطن قابل حک و اصلاح و لایق انتشار خواهد بود
بنیاد هر کار نو و بنای هر عمل تازه اول همین طورها بوده رفته
رفته با فواه افتاده استحکام یافته است

اجرای این قواعد سیاسیه بری نکرده است هیچ احدی را از حدود
محدوده شرعیه و مطاوعت دارد در کل امور محدوده بهمان اوامر مطاع
شرع شریف رجوع کرده است امر دیات و قصاص را کما کان بمحکمه شرعیه
و بتحدید علمای صاحب فتوی حواله الا اینکه پس از استیفای حقوق مقرره
صادره از محکمه‌های شرع محض تأکید بر ترک مناهی و خطا و عدم زیاده
روی مأمورین خدمت بر افراد ناس بعضی قرارهای معتدله میگذارد
و بعضی جاها حق سیاست و تادیبی نیز میافزاید از قبیل ده یک و نیم
و ده یک و جرم و حبس و بند و غیره علی مراتب جنایت و مرتکب بر صید آدم
رسم رشوت و تعارف و سایر اغراض دوستی و دشمنی آمر و مأمور
را بالکل و حفظ میکند مال مردم و منال دیوانی را که بحیف و
میل و خود رایی در معرض تلف بود

(چنانکه خواهد
آمد)



ترجمه

مقدّمه

در اصطلاح علمی و مراتب عملی و مواقع اجراء کیفر و گناه و در آن چهار فصل است

فصل اول

در اصطلاح علمیه و تعریفات کیفر و اندازه گناه بنا بقواعد کلیه

قاعده اول

چنانکه مجازات هر نوع خطایای نسبت بحکومت بلا حرف بر ذمّت والا همت دولت علیه مقرّر است همچنین مکافات هر گونه ستمی نیز که در باره شخصی وارد آید بی گفتگو برای پاس آسایش عمومی باز بعهده سلطنت سنیه محوّل میگردد لهذا دستور العمل مخصوص بجهت تشخیص درجات تعزیرات عرفیه که تعیین و اجرای آنها هر دو شرعاً با امر اولی الامر یکسان

دیوان عرف مفوّض است مرتّب و منظم گردید که هم تاکیدی شده باشد برای مراعات اوامر و نواهی شرعیه و هم قاعده منظمی بوده باشد بجهت اجرای امر و نهی سیاسیه تا دیگر کسی را مجال افراط و تفریط در حکم و اجرای تعزیرات عرفیه نماند و هرگز بحقوق شرعیه شخصیه احدی بهیچ وجهی خللی نرسد

قاعده دوّیم

تقصیر و گناهی که مرتکب را مستوجب کیفر سیاسیه نماید سه گونه است (اول) جنایت (دوّیم) جنحه (سیّم) قباحت

قاعده سیّم

کیفر جنایت بر شش منوال است (اول) قتل و اعدام (دوّیم) تبعید موقتی یا مؤبّدی (سیّم) تقیید موقتی یا مؤبّدی (چهارم) نفی ابدی (پنجم) حرمان مؤبّد (ششم) اسقاط ابدی این شش منوال بعد التشهیر در حق مجرم جاری خواهد شد

مراد از تشهیر اینست که در هر دیوانخانه که حکم باجرای جزای مجرم میشود خلاصه حال او را بخط جلی در روی صفحه نگاشته جانی را با همان نوشته برداشته بجائیکه آمد و رفت مردم زیادتر است برده کاغذ خلاصه را بنحوی بر اندام مجرم آویخته مدّت دو ساعت

در همان محل از دحام مردم و تردد مخلوق نگهداشته صورت حال را آگاهی بمردم نشان داده پس از اعلان و قرائت حال مجرم واجرای اصول تشهیر بکیفر عمل خود برسانند مثلا اگر مستوجب تقیید بوده باشد بغل آهنی پایش بسته بمحلی که تکالیف شاقه بروی خواهد شد بفرستند

هرجانی که کمتر از هیجده سال و زیادتر از هفتاد سال داشته باشد از اصول تشهیر معاف است

قاعدهٔ چهارم

مکافات جنحه چهار وجه است (اول) حبس زیاده بر یکهفته (دوم) نفی موقت (سیم) طرد موقت (چهارم) جزای نقدی

قاعدهٔ پنجم

جزای قباحات از بیست و چهار ساعت الی یکهفته حبس و نهایت بیست و دوهزار و پانصد دینار جرم است

در این کارنامه بجهة اختصار کتابت دوهزار و پانصد محذوف و دو تومان نوشته میشود ولیکن قید جرم وجه محذوف را متضمن است اگرچه هزار تومان زیادتر هم بوده باشد بدل بجهة اختصار کتابت مقدار جرم دو تومان نوشته شده دوهزار

وپانصد من بعد بکتابت نمی آید و هکذا از علاوه براین مبلغ نیز دو کتابت محذوف و در حساب و صورت اخذ متضمن و محسوب خواهد بود

قاعدهٔ ششم

این جزاهای مذکوره بفراخور جرم بعضاً دون بعض و چند فقره یکجا درباره مجرم معمول و مجری خواهد شد

قاعدهٔ هفتم

مستوجب حبس و نفی موقت و تبعید و تقیید موقت چنانکه از موقع کیفر خود فرار کند از ثلث الی نصف مدت جزای واقعه بر مدت کیفر وی افزوده میشود و اگر مستوجب نفی ابد از منفای خود گریزد مستحق تبعید مؤبد و فرار از موقف تبعید مؤبد مستوجب تقیید مؤبد خواهد شد

قاعدهٔ هشتم

کسیکه مکرر مرتکب گناهی بشود کیفر او نیز مکرر یعنی دو مساوی جزای معین وی میباشد مگر در جائیکه بر تکرار مرتکب کیفر مخصوصی مشخص شده باشد

قاعدهٔ نهم

اجرا و ترتیب این چیزها حقوق عینیه و متضمن اصحاب دعوا را از ذمهٔ
ارباب جنایت و جنحه و قباحت ساقط نخواهد کرد

قاعدهٔ دهم

هر گاه جزای نقدی و استرداد اموال مسروقه و سایر غرامات و مصارف
متضمن خسارت معا بر ذمهٔ شخص وارد آید استرداد اموال اصحاب
حقوق بر جزای نقدی مقدم است

قاعدهٔ یازدهم

هر که در باب ادای جزای نقدی و اموال و مصارف مسطوره
در فوق پس از اعلان نظامی مماطله کند بحبس تضییقی دریافت خواهد شد

قاعدهٔ دوازدهم

آلات و سلاح حاضره برای جنگ پس از وقوع نزاع خواه استعمال بشود
و خواه بموقع استعمال نرسد ضبط خواهد شد هر گاه این ضبط سلاح
با تحصیل وجوه متعلق بوقوع جنایت و جنحه و وصول جزای نقدی
و تحت تبعیت نظمیه گذاردن مجرم در یکمرتبه بر کسی علاقه بگیرد
حکم و ترتیب همه آنها نیز در یکمرتبه جایز تواند شد

قاعدهٔ سیزدهم

کسیکه نسبت باخلال آسایش داخلیه و خارجیه دولت علیه بجنایت

وجنحه

و جنحه جسارت کرده باشد بعد از تکمیل مدت جزا مطلقا در تحت
تبعیت نظمیه خواهد ماند

قاعدهٔ چهاردهم

مأمورین نظم داخلیه مملکت را که عبارت از پولیس و ضبطیه است در اینجا
بمعروف نظمیه گفته میشود مستحفظین و قراسوران و علاء داروغه
و کدخدایان و احتسابیه داخل این مأمورین محسوب است و تحت تبعیت
نظمیه عبارت از قرارداد است که از جانب دولت علیه در باب
اقامت و عدم اقامت و عبور و غیر عبور مجرم از جائی بجائی داده بشود
مثلا در فلان مکان اقامت بکند یا نکند و از فلان راه برود یا نرود
و در هر مقام معین چند روز بماند و چه طور بگذرد و هنگام ورود
در مدت بیست و چهار ساعت و وقت خروج در ظرف سه روز
خبر ورود و خروج خود را باید بحکومت اطلاع دهد و تذکره که در
دست دارد با مضا رساند یا تجدید نماید و غیره و غیره هر نوعی که
تذکره دستور العمل داده شود یعنی مختار و آزاد نخواهد شد هر که
این شرایط تذکره و تبعیت نظمیه را رعایت نکند مدت یکسال کمتر
جزای حبس را مستوجب خواهد شد و تا بموجب قانون لزوم نرساند
کسی را تحت تبعیت نظمیه نتواند گرفت

قاعدهٔ پانزدهم

گناه را خواه مدعی اظهار کند خواه حکومت خود اطلاع بهم رساند
تادیبش بلاتفاوتست

فصل دویم در معرفت جزاهای مخصوص بجنایت

قاعدهٔ شانزدهم

هر جانی که بر حسب قواعد آتیه مستوجب قتل و اعدام بوده باشد
باید حکم جنایت وی شرعاً بثبوت رسیده از لحاظ انور اقدس گذشته
حاشیهٔ آن بصحهٔ همایون موشح شده بعد در میدان سیاست بتیر بدن
ارائه اعلان کرده بدان وقت بقتل برسد والا نمیتوان قتل کرد هر که
بدون اجرای قرار مذکور کسی را بقتل رساند مستوجب جزای قتل خواهد بود

قاعدهٔ هفدهم

جسد مقتول تسلیم وارث وی خواهد شد در صورت عدم ورثه
برسوم اهل ملتی که بوده است دفن میشود

قاعدهٔ هیجدهم
زن مستوجب قتل در صورت
حمل بعد از وضع بقتل برسد
یعنی پس از ثبوت حمل اجرای
جزای وی جایز نخواهد شد
تا وضع حمل نماید

قاعدهٔ نوزدهم

تقیید یعنی بند و زنجیر کردن استعمال آن در اینجا مخصوص به اینست
که پاهای مجرم را بزنجیر آهنی ببندند یعنی بخو زده بخدمات شاقه مشغولش
کنند قاعدهٔ تشهیر چنانکه گذشت درباره مستوجب تقیید نیز جاریست

قاعدهٔ بیستم

قاعدهٔ بیستم

تقیید مؤبد عبارتست از اینکه بعد از انجام اصول تشهیر تا روز
مرگ در جاهایی که از جانب دولت مخصوص و معین شده است
پاهایش در بخو بسته بکارهای سخت و شدید مشغولش کنند

قاعدهٔ بیست و یکم

تقیید موقت نیز همچنان بعد التشهیر در امکنهٔ معینهٔ دولتی از سه
سال الی پانزده سال بخو بند بکارهای دشوار پر زحمت پرداختن
را گویند این جزا اگر کمتر از پنج سال مشخص شده باشد در محلهای
خود مجرم نیز معمول تواند شد

قاعدهٔ بیست و دویم

جزای قتل و تشهیر در ایام مخصوصهٔ دینی و مذهبی جاری نخواهد شد

قاعدهٔ بیست و سیم

تبعید مؤبد فرستادن مجرم است بقلاع مستحکمهٔ دولتی که در آنجا
محبوساً تا روز مرگ توقیف شده هرگز از آنجا بجای دیگر نقل و حرکت
نتواند کند

قاعدهٔ بیست و چهارم

تبعید موقت نیز همچنین مجبس نشانیدن مجرم است در یکی از قلاع

دولتی از سه سال الی یازده سال

قاعدهٔ بیست و پنجم

تبعید در حقیقت کیفری است جامع جزای حبس و نفی شخص مبعد
بقید اینکه از جانب مستحفظین اجازه داده میشود با داخل و خارج قلعه
که محبوس است مخابره تواند کرد

قاعدهٔ بیست و ششم

مناط اعتبار مدت جزای تبعید و تقیید موقت از روزی است که
تنظیم اجرای آن به مستحفظ شده و تاریخ گذارده است

قاعدهٔ بیست و هفتم

مبعد و مقیدین موقتی در ظرف مدت جزا از معاملات عادیه شخصیه
ساقط و مهجور و املاک و اموال موجودهٔ او با استحضار حکومت
سپرده وکلا کردیده هرگز علاوه بقدر رفع حاجت که مستحفظ
محبسیه بر حسب نظم مخصوص جایز رواداند چیزی بر او داده نمیشود
در باب تعیین وکلا رد و قبول خود مجرم مسموع خواهد افتاد
و پس از تکمیل و انقضاء مدت جزا کافهٔ اموال و املاکشان بر خودشان
عاید گشته وکلا نیز محاسبهٔ ایام وکالت خود را بر ایشان رد خواهند کرد

قاعدهٔ بیست و هشتم

نفی ابد روانه کردن مجرم است از جائی بجائی دیگر که ابدا در آنجا مقیم
بوده باشد در اینصورت هرگاه بخواهد عیال و اطفالش را هم نزد خود
برد مساعده خواهد شد

قاعدهٔ بیست و نهم

حرمان ابدی محرومی شخص است از رتبه و مأموریت و مقرری و جیره و مواجب
و وظایف دولتی چنانچه بنداشته باشد هم مایوسی او است از مراتب
مسطوره و نیل رتبه و نشان و سایر سرافرازیها در استقبال

قاعدهٔ سی ام

کسانیکه مستحق جزای تبعید مؤبد و نفی ابد و تقیید موقت و مؤبد
بوده باشد مستوجب حرمان ابدی هم هستند اما مستوجب تبعید
موقت در ظرف مدت جزا و بعد از انقضاء مدت بشرط اصلاح
نفس بنا بصلاحیت و قابلیت استخدامش جایز تواند گشت و تا نفی
مدت جزا بروی تنگ نشده باشد و یا اصلاح نفس نکرده باشد قابل
این اعاده نتواند شد و اگر این جزای تبعید خود تبعید نبوده از
تقیید تبدیل یافته باشد شخص مبعد مبدل الحکم علیه مقید بالاصاله
داشته مؤبدا محروم و هرگز قابل اعاده و نایل رتبه و مأموریت
نخواهد گشت

قاعدهٔ سی و یکم

اسقاط ابدی عبارتست ازین شش قسم محرومیت است (اول) محرومی از مراتب قاعدهٔ بیست و نهم (دویم) محرومی از کافهٔ حقوق بلدیه یعنی از مراتب رسمی مملکتی و ملتی و صنفی (سیم) ممنوعی از معلمی و مکتب داری (چهارم) عدم لیاقت بسلک اجزای تحقیق و جرگ وکلای دعاوی و در صورت لزوم استیضاح از چگونگی و تحقیق امر بها افاده و تقریراتش بمنزلهٔ قیل است نه بمصداق قول یعنی مناط حکم و اعتبار نخواهد داشت و وکالت در دعاوی نتواند کرد (پنجم) عدم دیانت بر وصایت (ششم) عدم صلاحیت بسلاح بستن است

قاعدهٔ سی و دویم

جزاهای اسقاط و حرمان ممکن است باجزاهای تقیید و تبعید و نفی مؤبد و موقت یکجا بر مجرم علاوه کرده و ممکن است در بعضی جاها همان جزاهای اسقاط و حرمان خود مخصوصا بدون آنها بر وی وارد آید در صورت اختصاص باجزای حبس سه سال معاً دربارهٔ وی حکم خواهد شد

قاعدهٔ سی و سیم

لوحهٔ تشهیر یعنی خلاصهٔ اعلام جزاهای اعدام و تبعید و تقیید و

اسقاط و حرمان چنانکه در پای تختهٔ دربخانهٔ نظمیه و در سایر جاها درب دار العمارهٔ حکومت بر اندام مجرم بسته و اعلان میشود هم چنین در مرکز ایالتی که تنظیم اعلام مترتب میشود و یا در بلوکی که جنایت واقع شده است و یا در محلی که اعلام مجری خواهد شد و یا در جائیکه مجرم ساکن است نیز تعلیق و اعلان تواند شد

فصل سیم در بیان جزاهای متعلق بجنحه و قباحت

قاعدهٔ سی و چهارم

حبس عبارتست از توقیف مجرم است در محبس دولتی بقدر مدت محکومه از بیست و چهار ساعت الی سه سال از روی قواعد معینه اینگونه مجرم را بنا بر نظم و اصول مقررهٔ دولتی بفراخور استعداد بکاری مشغول خواهند داشت

قاعدهٔ سی و پنجم

نفی موقت فرستادن مجرم است از مکان مالوف بیکجای دیگر

قاعدهٔ سی و ششم

طرد بمعنی رانده و عبارتست از معزولی مامورین و مقطوعی مقرری مخصوص ان ماموریت است مدت جزای طرد از سه ماه تا شش سالست

مستوجب اینجزا در ایام مجازات مستحق ماموریت و مقرری نخواهد شد
یعنی اگر مامور بوده باشد معزول و اگر نبوده باشد ممنوع است
نایل جیره و ماموریتی نتواند گردید

قاعدهٔ سی و هفتم

جزای نقدی پولی است که موافق تعیین قانون گرفته میشود اگر جزای
نقدی و حبس هر دو درباره مجرمی حکم شده استطاعت ادای جزای
نقدی را نداشته باشد نصف مدت حبس مجموع وی افزوده میشود
و اگر تنها مستوجب جزای نقدی بوده قادر بر ادای وجه جزا نبوده باشد
بنا باندازهٔ جزای نقدی از بیست و چهار ساعت الی سه ماه مستوجب حبس
خواهد شد

قاعدهٔ سی و هشتم

جزای متعلق بمجرم یا بعضی از جزاهای اسقاط قاعدهٔ سی و یکم در یکجا از
جانب محاکم ترتیب تواند گرفت

قاعدهٔ سی و نهم

مجرمی که بعد از تکمیل مدت جزا جزای نقدی محکومه عاید بدولت را ندهد
مدت شش ماه برای کیفیت تاخیر حبس شده چنانچه عدم استطاعت
ادای آنرا ثابت نماید بعد بر سبیل موقت مرخص تواند شد جزای نقدی

اگر

اگر متعلق بقباحت بوده باشد زیاده از سه ماه حبس ندارد از مرخصی
بسبیل موقتی مجرم را استطاعت جزای نقدی مطالبه و دریافت خواهد شد

فصل چهارم در موجبات مسقوطیت و عفو و استحقاق و عدم استحقاق جزا

قاعدهٔ چهلم

مجرم نابالغ مستحق جزای جرم نقد نمیباشد اگر غیر ممیز بوده باشد
بارتباط کفالت قوتیه تسلیم پدر و مادر یا اقربای وی میشود چنانچه
از طرف آنها کفالت قوتیه صورت امکان نپذیرد بتوسط مستحفظین
نظمیه مدت مناسبی که متضمن اصلاح نفس بشود حبس میشود اگر
مجرم نابالغ مراهق و ممیز بوده یعنی فرق و تمیز تواند داد که نتیجهٔ این اکار
و عمل او گناه و جرم خواهد بود و متعمداً مرتکب شده باشد درین
صورت هرگاه او از جنایات مستلزم جزای اعدام و تقیید و تبعید
موبد و یا نفی ابد بوده باشد بجهت اصلاح نفس از پنج سال تا ده
سال حبس میشود و اگر از جرایم موجبهٔ تقیید و تبعید و نفی موقت
بوده باشد باز هم برای اصلاح نفس بقدر ربع نهایت بقدر ثلث مدت
جزای مستلزم حبس خواهد شد و در هر صورت از پنج الی ده سال
تحت تعقیب نظمیه گرفته میشود و اگر گناهش از موجبات جزای اسقاط
از حقوق مدنیه بوده باشد باز هم بملاحظه اصلاح نفس از شش ماه

الی سه سال حبس باید کرد اگر جرم غیر از این جزاهای مذکوره موجب جزائی بوده باشد نیز محض اصلاح نفس مدت معینی که بر ثلث مدت جزا تجاوز نکند محبوس میشود

قاعدهٔ چهل و یکم

اگر مجرم در حالت ارتکاب بگناه جنون داشته بثبوت برسد از مجازات خطا و مکافات عمل معاف است

قاعدهٔ چهل و دوم

کسی مجبورا بدون میل و رضا مرتکب گناهی بشود بعد از ثبوت مجبوریت معفو است مناط اعتبار مجبوریت بنا بدرجات گناه باید طوری بوده باشد که مرتکب را بالمره از شعار و همت بری سازد و یا بحسب ضرورت که طاقت مقابله نداشته باشد معلوم و ظاهر کند والا اطاعت اولاد با مر پدر و امتثال نوکر بفرمان آقا که ناشی از تعظیم و احترام است مجبوری محسوب نتواند شد

قاعدهٔ چهل و سیم

اناث و ذکور در مکافات فرق نمیکند الا رعایت مخصوص بر نساء در صورت بعضی جزاهائیکه لازم است رعایت آن حالات بالنسبه بطایفه اناثیه

قاعدهٔ چهل و چهارم

اموال مسروقه در دست هر کس دیده شود از وی باز یافت میشود اما باید غرامت و مصارف متضمنه مطلقا بفاعل جرم راجع است

قاعدهٔ چهل و پنجم

فاعل مشترک هر جرمیکه در قانون جزائی بر آنها تصریح نشده باشد مثل فاعل مستقل بآن جرم مجازات میشود

قاعدهٔ چهل و ششم

در استرداد اموال مسروقه و سایر غرامت و مصارف متضمنه مشترکین جرم سرقت مطابق قاعدهٔ کفیل بالمال کفیل یکدیگر فرض شده در صورت عدم قدرت شرکا بقیهای حقوق خود از شرکای دیگر مطالبه و دریافت میشود

قاعدهٔ چهل و هفتم

تبدیل جزای تقیید بر تبعید و تبعید موبد بنفی ابد و حبس و تبعید موقت بنفی موقت مطلقا منوط باراده مخصوصهٔ پادشاهی است بدون ارادهٔ سنیهٔ مخصوصه و عدم تصریح قانون بهیچ وجه تبدیل و تخفیف هیچگونه جزا و عفو آن جایز نخواهد بود

باب اول

در بیان ترتیب مجازات جنایات و جنحه که ضرر آنها عمومی است

فصل اول

در جنایات و جنحه که با منیت خارجیه دولت خلل برساند

قاعدهٔ چهل و هشتم

هر که از تبعهٔ دولت علیه بسلاح جنگ مسلح شده با دشمنان سلطنت سنیه موافقت و همراهی کند هر که و از هر قبیل بوده باشد اعدام خواهد شد

قاعدهٔ چهل و نهم

هر که از تبعهٔ دولت علیه دول اجانبه را بخصومت و حروب و قتال دولت علیه تحریک کند و یا در باب حصول خصومت و محاربه با مامورین اجنبیه متصدی مخابرهٔ فساد انگیز بشود خواه افعال فساد انگیز او نتیجهٔ خصومت کردد یا نکردد کذلک اعدام میشود

قاعدهٔ پنجاهم

هر که از تبعهٔ دولت علیه برای تسهیل دخول دشمن بممالک محروسه و یا برای تسلیم یکی از شهر و قلعه و سایر مواقع مستحکمه و بندرات

و مخزن نظامی و جبه خانه و انبار حربیهٔ بحری و بری و سفاین سلطنت سنیه بدست دشمن و یا باصابت و ارسال ذخیره و سلاح و پول و سایر مهمات اعانت بجانبی بکند و یا برای اخلال انتظام صادقانه لشکر دولت علیه و یا بجهت استیلای عساکر دشمن و مغلوبی لشکر سلطنت سنیه متمسک بحیله و وسیله شود و یا بملاحظهٔ خدمت و معاونت بلشکر دشمن مشغول بعضی مخابره و کفتکو کردد باز هم چنین اعدام خواهد شد

قاعدهٔ پنجاه و یکم

اکر مخابرات واقعه فیمابین تبعهٔ دولت علیه و تبعهٔ دشمن متضمن جنایت مذکورة الفوق نبوده فقط بعض معلومات از احوال عسکریه و ملکیه دولتی و یا منفعتی که موجب مضرت بجانب دشمن خبر داده باشد متصدی اینکونه مخابرات بنا بدرجهٔ تهمت موقتا تبعید و اکر از دادن اینکونه معلومات مقصود جاسوسی یعنی بجهة اخبار دشمن از تدابیر حربیه دولتی بوده باشد متجاسر این کفتکو بنا بدرجهٔ جنایت موقتا تبعید و هر کاه وقوع اینحرکت در اردوئی شده باشد مطابق دستور العمل ادارهٔ جنک اعدام متهم نیز جایز میشود

قاعدهٔ پنجاه و دویم

هر کس از مامورین و خدمهٔ دولتی یا سایر اصناف مردم خواه در ضمن ماموریت و یا قسمتهای دیگر بسری از سرایر دولتی از قبیل گفتگوهای خلوت دایر بامور مهمهٔ پولتیکیه و یا مصمم شدن لشکر بحرکت مخفیه را واقف شده بدون آنکه مامور و ماذون بوده باشد با مامور اجنبی اعم از آنکه دشمن باشد یا نباشد خود یا بواسطه بمیان آورده و یا افشا کند کذلک اعدام میشود

قاعدهٔ پنجاه و سیم

هر کس یکی از صورت نقشه و یا خود نقشهٔ استحکامات و ابنیهٔ حربیه و بندرات متعلقهٔ دولت را که بحسب ماموریت مخصوصا بوی تودیع شده باشد بدشمن و یا کسان دشمن بدهد از سه سال الی پانزده سال تبعید و اگر این قبیل نقشه و رسم و خریطه ها را بدون امر و اجازهٔ دولت بیکی از آدمهای دولت دوست و یا بیطرف بدهد از یکسنه الی سه سنه حبس میشود

قاعدهٔ پنجاه و چهارم

هر کس از تبعهٔ اعلیحضرت شاهی جاسوسی را که از خارجه برای تفحص حالات داخله آمده باشد دانسته پنهان کند و یا تقویت و اجازه در اخفای جاسوسین خارجه نماید موبدا تبعید میشود

فصل دویم

در بیان جنایت و جنحه که بامنیت داخلهٔ دولت علیه خلل میرساند

قاعدهٔ پنجاه و پنجم

هر کس تبعهٔ دولت علیه و سکنهٔ ممالک محروسه را خود یا بتوسط غیر مسلحا بعصیان سلطنت سنیه تحریک کند و مقصود او در قضیهٔ عصیان بالکل ظاهر گردد و یا شروع باجرای عصیان کرده باشند اعدام میشود

قاعدهٔ پنجاه و ششم

هر کس اهالی ممالک محروسه را مسلحا بمقاتلهٔ یکدیگر بشوراند و بغصب غارت مال هم تحریک و بتخریب مملکت و قتل نفوس اغوا نماید خواه قضیهٔ فساد بالکل بظهور برسد و یا شروع باجرای فساد کرده باشند کذلک این قبیل محرک اعدام میشود

قاعدهٔ پنجاه و هفتم

هر کس یکی از مفسده های قاعدتین مذکورتین فوق را با جمعی از اشرار بالاتفاق اجرا کند و یا متفقا مرتکب اجرا بوده باشند رئیس اصلی و محرک در هر جا که بیفتند اعدام و سایر اجزا هم که تمام در موقع جنایت گرفته شوند بنابر درجهٔ جنایت و تقصیر و نظر باندازهٔ مداخلهٔ هر یک موبدا

با موقتاً تقیید خواهند شد

قاعدهٔ پنجاه و هشتم

چنانچه برای یکی از مفاسد منظوره در همان قاعدتین مذکورتین
بعضی از مفسدهٔ مجلس اتفاقی در خفیه فراهم آورده و علاوه بر تشکیل
مجلس و گفتگوی نفاق بنا بر تهیهٔ اسباب متضمن مفسده نیز دست بکار
شده باشند اگر هنوز فسادی از آنها بفعل نیامده باشد متفقین این
گونه مجالس و گفتگو بجزای نفی ابد مجازات و اگر تنها گفتگوئی کرده دیگر
دست به تهیهٔ اسباب اجرای فساد نزده باشند داخلین اتفاق موقتاً
بتبعید میشوند و اگر برای اجرای فسادهای مذکوره تکلیف تشکیل
اتفاق خفی شده ولی مقبول نیفتاده باشد تکلیف کنندگان از
مدت یکسال تا سه سال الحبس خواهند شد

قاعدهٔ پنجاه و نهم

هرگاه کسی در امور نظام و غیر نظام از عمل سرباز و سوار و حکومت
و سرحدیه و بنادر و سایر شهرها و قلاع مستحکمهٔ دولتی بدون
حکم و مأموریت و بلا جهت ضروری که بتصویب و رخصت مقبول دولت
ثبوت بسمت کوماندانی و ریاست ضابطه و امر و نهی در کاری کند و یا
منافی امتثال اوامر دولتی ترک کوماندانی و ریاست و سرکشی

از ماموریت و خدمت خود نماید و یا بخلاف دستور العمل دیوان همایون
درباره ابواب جمع و تابعین خود همچنین بدون جهت تصویب مقبولیت
دولتی منافی امتثال اوامر علیه امر و نهی و خود رائی کرده باشد که
اعدام میشوند

قاعدهٔ شصتم

مأمورین استخدام نوکر دولتی از سرتیپ و سرکرده و یوزباشی و سردسته
و سایر که برای نوکر گرفتن و پا داری و حرکت دادن سرباز و سوار
مأموریت داشته باشند هرگاه در اخذ نفری نوکر بخلاف دستور العمل
و بنیچهٔ مقرره توقعاً و باتحکماً امری را که موجب ستم شریکی نوکر و محل بوده
باشد در جائی جاری و معمول کند قبل از وقوع اینکار جزای وی
نفی ابد و بعد از وقوع و اجرای این توقع و تحکم جزایش اعدام و
مطاوعین اینگونه امر آمر که مخالفتاً با اجرای دستور العمل نظامی
مطاوعت وی را کرده باشند و خودشان از مباشرین قوهٔ عسکریه
بوده باشند مجازات آنها تقیید موقت است

قاعدهٔ شصت و یکم

هر کی ابنیهٔ حربیهٔ متعلق بدولتی را از هر نوع انبار و مخزن سهواً عن قصد
یعنی بخیانت احراق و یا خراب کند کیفریش اعدام است

قاعدهٔ شصت و دوم

هر که در میان جمعی که برای نهب و غارت املاک و نقود دولتی و یا ضبط
ضیاع و عقار رعیتی و یا برای مقابلت مأمورین حکومتی که بجهة دفع اینگونه
اصحاب جنایت مأمور شده باشند کوماندان و سرخیل بوده باشد
و یا خود قابل کوماندانی و صاحب تعلیمات و طرف شور بوده باشد
اعدام میشود و سایر اجزاء جمعیت که قابل طرف شور و تعلیم نبوده
همان تبعیت در حرکت آنها کرده باشند هر کدام در محل فساد و موقع
شرارت گرفتار شوند موقتاً تبعید میشوند

قاعدهٔ شصت و سیم

هر که اراده کند جمعی را برای اجرای فساد مذکوره در قاعدهٔ فوق
یعنی از دور و نزدیک همدست و شریک جمع آوری نماید و یا ترتیب و تشکیل
از جمعیت اراده و اعانه کند و یا دانسته از روی اختیار باسم تدارک اسلحه
و جبه خانه و سایر آلات فسادیه برای آنها فرستد و یا ذخیره و ماکولات
بدهد و یا با مدیر و کوماندان آنها مخابرهٔ مخفیه داشته و یا بی آنکه مجبور تفتیش
منصوص شود از مقاصد و نیت آنها مستحضر بوده در خوابگاه محل اختفا و
جای اجتماع برای آنها مهیا کند موقتاً مقید خواهند شد

قاعدهٔ شصت و چهارم

اشخاصی که در میان این قبیل اشرار مفسدین خدمت مخصوص و کوماندانی
نداشته و بمجرد اینکه بشنوند از جانب دولت یا حکومت برای تفرقه و
تنبیه آنها مأمورین روانه شده است امتثالاً از میان جمعیت خارج و پی کار
خود روند و بعد هم در غیر محل فساد بی سلاح جنگ و بلا مقاومت
دیده شده داخل گرفتارین شوند جزای اهل فساد در بارهٔ آنها حکم
نخواهد شد مگر در سر کار مخصوص گناه شخصیه علیحده داشته باشند
بنا بر همان گناه واقعه مجازات خواهند شد و اینمقوله اشخاص در تحت
تبعیت نظمیه خواهند ماند

قاعدهٔ شصت و پنجم

هر که از عصات متفقه قبل از تصدی باجرای عصیان و یا قبل از شروع
بجسارت تا اسباب استحصال توقیف شرکاء تهمت شود از کیفر گناه سایرین
معاف بوده کمتر از دو سال در تحت تبعیت نظمیه خواهد بود

قاعدهٔ شصت و ششم

هر که شخصاً در میادین و اسواق و سایر مجمع ناس اهالی و سکنه را با یراد
نطق و یا تعلیق نوشته باقدام خیانتهای مذکور الفوق محرک شود
مثل مرتکب جنایات مجازات خواهد شد هر گاه تحریکاتش بمقام فعل
وظهور نرسد فقط جزایش نفی ابد است

فصل سیم در بیان رشوت دادن و رشوت گرفتن

قاعدهٔ شصت و هفتم

هر گونه بده و بستان بهر اسم و رسم برای انجام مقاصد و ترویج مرام
داد و ستد بشود رشوت محسوب است حتی بیع و شرای ملک و مالی که
از ارزش و مظنه دون کمتر و یا زیاده خرید و فروش شده باشد نیز
تفاوت حاصله از قیمت صحیحه آن عیناً رشوت خواهد بود اما بخشش
و تعارفات رسمیه مجالس عقد و سایر معاقدات شرعیه خواه از جانب
مرد خواه از طرف زن که از روی رسم و عادت بخانه بخشیده میشود
ازین قاعده مستثنا بوده سایر هدایا و تعارفات کم و بیش هرچه
باسم پای انداز و سایر تاویل و تبدیل اسامی بکسی داده شود در حکم
رشوت خواهد بود الا میوه و بعضی ماکول و مشروب و امثال آنها
که از جانب فقرا و مساکین محض استدعای تصدق و پیشکش و
یا فیما بین احبا هدیه و معاطات و یا بخدام و چیز و فقیر بفراخور حال خود
عنایت و بخشیده بشود رشوت نخواهد بود

خواه بالذات خود شخص و خواه بالواسطه بمعرفت کسان و منسوبان
رشوت بگیرد مرتشی رشوت دهنده را راشی و واسطه مابین را
رائش گویند

قاعدهٔ شصت و هشتم

مرتشی هر که و صاحب هر گونه منصب و رتبه و ماموریت بوده باشد ابتدا
رشوت معهوده و ماخوذه عوض جزای نقدی به راشی مسترد و یک مثل
آن نیز برای کیفر خود از مرتشی دریافت شده بعد هر گاه این جنحه
اول دفعه کار او بوده باشد موقتاً مبعد و مدت شش سال نیز
مستوجب جزای طرد خواهد بود

قاعدهٔ شصت و نهم

راشی هر که و صاحب هر گونه منصب و ماموریت بوده باشد رشوتیکه
داده است در عوض جزای نقدی او و چنانکه گذشت از مرتشی
دریافت و بعد هم هر گاه دفعهٔ اول عمل او باین جنحه بوده باشد
کذلک موقتاً تبعید و مدت شش سال نیز مستوجب جزای طرد خواهد بود

قاعدهٔ هفتادم

رائش هر که و در هر منصب و رتبه و ماموریت بوده باشد بعینه مثل
راشی و مرتشی اگر جنحه اش اول دفعه است موقتاً تبعید و مدت
شش سال جزای طرد را مستوجب خواهد بود

قاعدهٔ هفتاد و یکم

هر گاه مرتشی یا راشی و رائش ارباب رتبه و ماموریت نبوده باشند

باز مثل صاحبان رتبه و مأموریت کیفر عمل خود را خواهند دید

قاعدهٔ هفتاد و دوم

هرگاه مرتشیه شوهر داشته و در ارتشای ضعیفه اطلاعش محقق شود رشوت دو مساوی اخذ و دریافت و زن و شوهر هر دو بلاتفاوت مستوجب جزای مرتشی مزبوره در قاعده (۶۱) خواهند شد

و اگر شوهر نداشته و با اطلاع و رضای شوهر محقق نشود تنها در حق خود ضعیفه جزای نقدی جاری و مدت یکسال هم حبس جاری خواهد شد

قاعدهٔ هفتاد و سیم

راشیه و رائشه و شوهرهای آنها نیز حکم مرتشیه دارند در صورت اشتراک در رشوت بعینه جزای وی را مستوجب خواهند شد

قاعدهٔ هفتاد و چهارم

شخص مرتکب ارتشا اگر یک دفعه بفضاحت رشوت ثابت شده باشد و مکرر مرتکب این فضاحت گردد در رشوت ماخوذه دو مساوی مسترد و اقلاً مدت یکسال تبعید موقت را مستوجب و جزای محرومیت مؤبد را نیز در حق وی حکم خواهد شد

قاعدهٔ هفتاد و پنجم

راشی و رائش نیز که مکرر مرتکب شده باشند همچنین یکسال کمتر

نباشد حکم تبعید و حرمان مؤبد معتاد درباره او جاری است

قاعدهٔ هفتاد و ششم

هرگاه گفتگو و قرار رشوت داده شده برای وصول و ایصال آن نقداً و جنساً فرصت و موعد نیافته و رسند سپرده و یا قول داده باشد بلاتفاوت همین که گفتگو ثابت شد که مقدار رشوت معهود و طرفین راضی شده اند و محض موانع اتفاقیه ایصال و اخذ آن بتأخیر افتاده است بعینه کانه داد و ستد رشوت بعمل آمده است بقید وجه رشوت معلوم از راشی و بکمال آن نیز از مرتشی اخذ و دریافت خواهد شد

قاعدهٔ هفتاد و هفتم

هرگاه کسی محض ملاحظهٔ مال و جان و عرض و ناموس یا سایر منافع مشروعه در حقیقت مضطر شده بکسی رشوت بدهد بعد چگونگی را بحکومت خبر دهد رشوتی که داده است مسترد و عاید او گشته مرتشی بجزای ارتشا مجازات خواهد شد هرگاه راشی مجبور که از قرار معلوم رشوت داده بعلاوه دفع خوف و خشیتی که او را بدادن رشوت مجبور کرده بود اگر در ضمن عرض حال در پای تخت بدربار معدلت مدار و در سایر امکنه بایالت و حکومت و یا سایر مجالس دست رس اطلاع ندهد از جانب دیگر مطالبه رشوت کند عادتاً جزای راشی درباره او جاری است

قاعده هفتاد و هشتم

هرگاه ممیزین دولت بجهة بازدید عملی از شخصی که عملش مقرون بحقّ و
درستکاریش ظاهر بوده باشد چیزی توقع و خواهش نمایند و آن
شخص آمده مراتب را اظهار و ثابت کند علاوه بر اینکه عمل همچو کس
بطور حقانیت بازدید و تسویه میشود بقدر نصف همان تنخواه که از او
خواسته شده از خواهنده دریافت و مکافاتاً بوی بخشیده شده متوقع
تعارف مثل گیرندهٔ رشوت بمجازات مرتشی مستوجب خواهد شد

قاعده هفتاد و نهم

در هر خصوص برای هرگونه کار و عملی بکسی که عرض رشوت شده شخص
آن رشوت را گرفته یا نگرفته بنهایت در ظرف مدت دو ماه قبل از آنکه
از خارج ابراز مطلب بشود در پای تخت به بار همایون در سایر جاها
الأعلی فالأعلی بمجالس و مأمورین معتبر آنجا اطلاع بدهد اگر رشوت را هم
گرفته باشد تسلیم نماید معاملهٔ تحسینیه درباره همچو کس جاری و رشوت
بدهنده چنانچه جزء رشوت موعوده را نداده باشد اول بقدر رشوت معهود
جزای نقدی از وی دریافت شده بعد بجزاهای دیگر راشی مجازات میشود

قاعدهٔ هشتادم

تحویلداران واردات دولتی خواه بجهة پول گرفتن و خواه بملاحظه

سایر منافع شخصی خود اصول واردات را در صورتیکه از جای دیگر و کسان
دیگر بارزش و قیمت تمام طالب بوده باشند تنزل داده بوجه کم بها و قیمت
کمتر بمصرف رسانند همچو کس هر که و از هر قبیل اشخاص بوده باشد در حکم
سارقین مال دولت معدود و بموجب قاعدهٔ هشتاد و دو آتیه در فصل
چهارم این باب مجزی است

قاعده هشتاد و یکم

هرگاه کسی برای اجرای عمل جنایتی بکسی رشوت بدهد و آن جنایت موجب
جزای سنگین‌تر از جزاهای رشوت مذکوره در فوق بوده باشد ابتدا
فقط وجه رشوت از مرتشی یعنی جانی رشوت بگیر دریافت و بعد مرتشی
جانی و راشی محرک بجنایت و رائش که واسطهٔ مابین بوده باشد با جزاهای
محرک و مرتکب و واسطهٔ همان جنایت که در کارنامه در محل جنایات معین
است مجازات میشوند

فصل چهارم در باب سرقت مال دیوانی و سایر ارتکابات آن

قاعده هشتاد و دویم

هرکس اموال و اشیاء دیوانی را نقداً یا عیناً دزدیده باشد شیء مسروقه
دو مساوی مسترد و عاید خزانه عامره گردیده بعداً اقلاً پنجسال بتبعید و
مؤبداً از دبیری و مأموریت مأیوس خواهد شد

قاعدهٔ هشتاد و سیم

کسی که بجهت خرید و فروش اشیاء دیوانی و یا انجام حساب بیع و شراء متعلق بدولت ماموریت داشته در مقدار اشیاء و یا در قیمت مبایعهٔ آنها و یا در تفریغ و توضیح حساب بنحوی اخلال و اغتشاش کند که اطلاق سرقت بر عمل وی شود مجازات سارقین فوق در حق او جاری و جایز خواهد شد

قاعدهٔ هشتاد و چهارم

هرگاه سارقین مال دیوانی ارباب رتبه و منصب بوده باشند باز بعینه مثل ارباب رتبه و مامورین بر حسب قواعد فوق مجازات میشوند

قاعدهٔ هشتاد و پنجم

هر کس از مامورین دولت عمدا و بجبر اسناد قروض دیوانی از قبیل قبض برات و فهرست و تنزیل طلب و سایر صیغ معموله از صاحبان تنخواه بر سبیل تنزیل پولی بگیرد و یا برای ادای وجوه مدیونیت دیوانی و ابطال مطالبات مردم نقد یا سایر هدایا قبول و یا اخذ کند هر چه گرفته نقدا و جنسا مسترد و موقتا تبعید میشود هرگاه این تنزیل را بتعهد ادارهٔ اینگونه مامورین و یا متعلقان و منسوبان ایشان بتقویت خود آنها مرتکب بشوند این جزاها بعینه دربارهٔ مرتکبین و هم

دربارهٔ مامورین مساعد و تقویت کنندگان جاری خواهد شد

قاعدهٔ هشتاد و ششم

هر گونه مامور از اعلی و ادنی قیمت اسباب و مصالح لازمه و یا اجرت عملهٔ و نقلیه و حمال و عمله را که حسب الماموریت ابتیاع و استخدام کرده باشد بصاحبانش نرساند و یا چیزی کسر کند و یا خود به بیگاری و مجانی عمله را بکار بگیرد و در مقابل آنچه از این بابت منتفع و متمتع میباشد از وی مطالبه شده یکی باجیره و صاحب قیمت مصالح داده و دیگری جزای نقدی محسوب و خود نیز موقتا تبعید میشود

قاعدهٔ هشتاد و هفتم

هر کس از صاحب منصبان کل و یا جزو که مامور تحصیل و یا مواظبت خدمت رکاب همایون و یا مخصوص محافظهٔ سرحد و ثغور و یا مستحفظ طرق و شوارع و غیرها بوده باشند از افراد نفری معدودهٔ جمعی خود که نشان داده برات صادر کرده مواجب و جیره باسم آنها بخرج دیوان منظور شده است عمدا کم و کسر گذارده و یا اتفاقا از خدمت مامور غایب شده باشد جیره و مواجب آنها برای خود بردارد و یا اشخاص مامورهٔ حاضره را از خدمت دیوان باز داشته بخدمات مخصوصه بخود مشغول نماید و یا نوکران مخصوص خود را عوض نوکر دیوان

باسم خود یا بر تبدیل اسامی بجای آنها سان داده جیره و مواجب دیوانی
گرفته عوض اجرت خدمت خود بر نوکران مخصوص خود بدهد بهر
اسم و رسم اگر نفری شخصی و اسامی و تبدیل خدمت دیوان بخدمات
مخصوصه خود و غیرها هر قدر از تنخواه دیوانی حیف و میل کرده و یا
گرفته باشد دو مساوی مطالبه و دریافت شده بعد موقتاً معزول
خواهد شد

قاعده هشتاد و هشتم

هر کس از مامورین و غیرها بر خلاف دستور العمل مقرره در حوالجات و
الحاق اموال مقاطعه و مزایدهٔ دیوانی اخلال و افساد کند و یا
در مواقع مغایر نظام موقع کار و مشغولیت برای خود بهم رساند یا مجلس
بر خلاف نظم و ترتیبی که از دیوان حکم و دستور العمل در مادهٔ داده
شده رفتار نمایند و یا توطیه و تمهید بر عدم قوام احکام و نظم
دیوانی فراهم آورند این قبیل اشخاص از مشغولیت ممنوع و از مامورین
مطرود و از یکسال الی دو سال حبس و یا از دو سال الی سه سال
نفی خواهند شد و هر گونه ضرری که در این نوع رفتار و حرکات عمال
دیوانی وارد آید از آنها دریافت خواهد شد

قاعده هشتاد و نهم

کافه

کافهٔ مامورین دولت از صاحبمنصبان تابین در مامورین و مباشری
و نظارت و اداره بیع و شرای اشیا الا زمهٔ دیوانی کلاً ام جزءاً سراً و علناً
بتخصیص یا بواسطه یا بمشارکت و همدستی برای مداخل و منافع بخود
تجارت کند و یا در کنتراتها عمل خرید و فروش اشیا قبل از وقت
بیک چیزی قطع کرده معامله و مقاطعه را متعهد شود و یا شریک
متعهدین مقاطعه و سایر مداخلهای مزبوره بشود از مامورین مطرود
و از یکسنه الی دو سنه نفی خواهند شد و همچنین در ابتیاع و اشتراء اجناس
دیوانی دلالی بگیرد و یا نقود و مسکوکات برای صرفه خود صرافی و مبادله
نماید از مامورین مطرود و از یکسال الی دو سال حبس و یا از دو سال الی
سه سال نفی میشوند

قاعده نودم

مامورین خدمت ملکیه و مالیه بهر نحویکه فرض و متصوّر تواند شد
مال دیوان خورده و برده باشد خواه خود برده و تلف کرده باشد و
خواه متلف و مسرف را اعانت و مساعدت نموده باشد بهر اسم و
رسمی که بر ذمه‌اش وارد آید از مامورین مطرود و از سه ماه الی دو سال
حبس و یا از شش ماه تا سه سال نفی میشوند

قاعده نود و یکم

هرگاه از مأمورین مبایعهٔ ملزومات عسکریه که متعهد مبایعه شده
و مأموریت حاصل بوده است عیب و نقصی در خرید و فروش اشیاء
ظاهر شود که متعلق به سبب خارجی و علت حادثه نبوده خود باعث نقص
و خلل شده باشد علی الحساب هر پولیکه برای این نقص عمل از کیسه
و از جائی گرفته باشد با غرامت نقصان مال دیوانی از وی مسترد و
بعد بقدر ربع غرامت متضمن نقصان و خیانت جزای نقدی هم اخذ و
دریافت خواهد شد

قاعدهٔ نود و دوم

هرکس از مأمورین دولت در بارهٔ کسانیکه مبایعهٔ مال دیوانی
خلل و خیانت مینمایند اعانت کرده باشد مدت سه سال الحبس میشوند

قاعدهٔ نود و سیم

هرگاه عمل مبایعهٔ لوازمات عسکریه که در تحت قاعده و تعهد آمده
باشد بلا عذر مقبول در موقع معهوده انجام نگرفته حاضر شدن
لوازمات مفرقه بتأخیر افتد و یا در صورت انجام و حاضر شدن دیگر
و کیفا اشیا و اجناس حیله و فسادی بکار رفته باشد پس از مطالبه
و دریافت غرامت ربع آن جزای نقدی هم از وی اخذ خواهد شد

فصل پنجم در رسوم سلوک مواقع نفاذ و انجام خدمت

وخلاف

وخلاف وظایف مأموریت

قاعدهٔ نود و چهارم

چون محض خدمت با مر حقانی کافهٔ ناس مأذون و مرخصند در باب
مرافعات که در مجلس گفتگو و تحقیق آن طرح شده است از هر جانب و
از هر کس معلومات بغرض ضمانت شفاها یا تحریرا بمحکمه و مجالس اخبار
شود تا برای صدور احکام دعاوی قرائن خارجی از این تبلیغات
و اخبار حاصل آید این نوع اخبار و تبلیغ بغرض و حقانی از قواعد
آتیه مستثنا و در باب ترتیب و تشخیص درجات مجازات سایر تبلیغات
و توسطی که متضمن اغراض و تعصب و دوستی است از قبیل تحکم
و زجر و التماس و توقع بشخصه یا بواسطه تحریرا یا شفاها و یا بتشفا
حضوری و یا غیابی خواه از طرف مأمورین و یا از جانب محاکم و مجالس
که بخلاف قاعده و اصول حرکتی ظهور کند بر وجه آتیه بیان میشود

قاعدهٔ نود و پنجم

مداخل مذکور الفوق هرگاه در صورت مخالفت بنفاذ اوامر مجلس
از مأموری بطور تحکم و تجبر صورت وقوع بیابد و از جانب مجلس
چگونگی بدولت عرض شود همچو مأمور بجای طرد تأدیب میشود و اگر
بطور التماس و توقع بعمل آمده باز هم بمخالفت مجلس بوده از مجلس

بدولت اظهار شود از ملتمس و متوقع این خلاف از بیست تومان الی
یکصد تومان بفراخور عمل جزای نقدی مطالبه و دریافت خواهد شد

قاعده نود و ششم

هرگاه محض وقوع مداخله و بجهة تبلیغ کسی نسبت بدعوائی بغیر حق حکم
شده باشد و مامور این حکم خلاف را بطور امر و تحکم مجری بدارد
همچو ماموری از ماموریت مطرود از سه ماه تا یکسال و نیم حبس و یا از شش ماه
تا سه سال نفی خواهد شد اگر این حکم را بطور التماس و توقع بموقع
اجرا بیاورند ملتمس و متوقع علاوه بر مجازات نقدیه مقرره از پانزده
روز الی سه ماه حبس و یا از سه ماه الی شش ماه نفی میشود

قاعده نود و هفتم

هرگاه اینگونه امور امر و التماس و حکم و توقع که از مامورین درباب
دعوائی بوقوع پیوسته از محاکم و مجالس بدولت عرض و اطلاع ندهند
حاکم و رئیس و لو این حکم و التماس را امضا و اجرا نکرده باشند محض
عدم عرض اخبار مستوجب جزای طرد خواهند شد

قاعده نود و هشتم

هرگاه محاکم و مجالس علاوه بر اینکه اینگونه حکم و التماس و خواهش با تحکم
وامر بر خلاف حقانیت نیز حکمی کرده باشند خواه حاکم خواه رئیس

مدت شش سال مطرود و سه سال نفی و اعضای مجلس فقط بجزای طرد
مجازات میشوند و استخدام و نصب حاکم و رئیس و اعضا در هیچ وقت بهیچ جهة
بماموریت محکمه و مجلسی جایز نتواند شد

قاعده نود و نهم

هرکس از مامورین کلی و جزئی در اجرای اوامر دولتی و احکام قانونیه و
نظم و در تحصیل منال مرتبه دستور العمل مخالفت ورزیده برخلاف
آنها فکر و تدبیر کند و قوه موثره و صرف نفوذ نماید و یا دیگری را تحریک
وامر بمخالفت کند بجزای حبس موقت مجازات میشوند
واگر مامورین با مر آمر و حکم حاکمی مجبوراً اقدام بیکی از این کارها کرده
باشند جزا از ذمه مامور مجبور رد و در حق کسیکه این امر را کرده است
جاری میشود و اگر این حرکت مودی بحالت سنگین دیگر شده باشد
جزای همان حالت سنگین درباره محکم و اجرا خواهد شد

قاعده صدم

هرکس از والی و حاکم و پیشکار و مستوفی و سررشته دار و نایب الحکومه و تحویلدار
کل و جزو در ایالات و تحت حکومت و سایر بلوکات و محلات و ماموریت
جاریه خودشان درباب ملزومات و حوائج ضروریه اهالی و سکنه
از قبیل اجناس و حبوبات غلات و ارزاق و سایر ماکولات و معلوف

که از خرید و فروش تجارتیه اش بحکم ممنوعیت کلیه ممنوع باشند شخصاً
و یا بواسطه و سایر اقسام شراکت ممکنه سراً و علناً بتجارتی مبادرت
بورزند از مامورین مطروده از پنجاه تومان الی دو هزار تومان جزای
نقدی اخذ و مطالبه خواهد شد
هرگاه در امکنه واقعه در تحت حکومتی املاک و اراضی خاص داشته باشند
تجارت محصولات املاک مخصوص هر کس از این قاعده مستثنا خواهد بود

قاعدهٔ صد و یکم

هرگاه مامورین در اجرای اوامر و نفاذ احکام و سایر اعلانات و اشاعه
تنبیهات ارادهٔ دولت علیه بدون عذر مقبول مبنی بر صحت که مسموع
دولت تواند شد مسامحه و مماطله کرده باشد از مامورین مطروده دانسته
و اگر از این اهمال و کوتاهی نسبت بدولت و مملکت مضرتی وارد آید جزای
مترتبه ضررها اگر در محل خود درباره مرتکبین معین است علاوه بر
جزای طرد درحق وی جاری خواهد شد

قاعدهٔ صد و دویم

هرگاه تابعین و مرئوسین در نفاذ امر دستورالعمل مقرره مامورین بدون
جهت بر خلاف صلاح و صواب سر کرده و رئیس که امر اجرا بوی رجوع
کرده تسامح و قصور بورزد بقدر یکماه مقرری وی جزای نقدی

دریافت

دریافت و چنانچه تعلیم و سفارش صاحب منصب و رئیس خود را از عدم
اطاعت مجری نکرده باشد بجزای طرد تادیب میشود هرگاه این تاخیر و
تعطیل و عدم اطاعت موجب مضرت دولتی و مملکتی بشود جزاهای
مرتبه مضرت جداگانه جاری خواهد شد

فصل ششم

در مجازات تعدیات و بدرفتاری مامورین حکومت درحق افراد ناس

قاعدهٔ صد و سیم

هر کس از ارباب محاکم و مجالس و سایر مامورین دولت بجهت اقرار
آوردن مجرم و گناه مقرر شدن درباره متهم حکم باذیت و شکنجه کند
و یا باجرای شکنجه و اذیت مباشرت نماید موقتاً تبعید و جزای محرومیت
موبد را مستوجب خواهد شد هرگاه اینکار بحکم رئیس و اجازهٔ رئیس
بیکی از مرئوسین و تابعین سر بزند جزا درحق آمر جاری خواهد گشت
و شخص شکنجه خورده هرگاه متاثراً فوت کند و یا نقص و ضرر باعضای
وی برسد درحق مامور مباشر این شکنجه جزای قاتل و جارح جاری میشود

قاعدهٔ صد و چهارم

هرگاه از ارباب محاکم و مجالس و سایر مامورین دولت درباره مجرم
علاوه بر مجازات مقرره حکم کنند یا بشدت و سختگیری مباشرت نمایند

ازششماه الی سه سال حبس و از مامورین مجالس و محاکم در مابعد طرد میشوند

قاعده صد و پنجم

هرگاه ماموری برخلاف قواعد موسسه نظمیه و مغایر قوانین ملکیه و
نظامات عسکریه بعنف و جبر بخانه کسی داخل شود و یا بدون مامورین
بصفت مامورین متصف و داخل خانه دیگری شود از ششماه الی سه سال
حبس میشود هرگاه اینکار را بامر آمری کرده باشد مامور معاف گردد
حق آمر جاری خواهد شد چنانچه غیر از مامورین دولتی دیگری باخافه و جبر
بخانه دیگری داخل گردد از یکهفته الی ششماه حبس میشود

قاعده صد و ششم

هرگاه از عمال و مامورین نظمیه و احضار در اجرای ماموریت و نفاذ امر
آمر و رئیس خود منافی اصول و نظم و قواعد قانونیه و دستور العمل و احکام
مقرره دیوانی در حق کسی سوء سلوک و بد رفتاری ظاهر شود خواه موجب
کسر عرض و ناموس بشود خواه باعث اذیت جسمی بنا بشدت درجه حرکات
واقعه از یکهفته الی یکسال الحبس میشوند

قاعده صد و هفتم

هرگاه از جانب مامورین و اصحاب مناصب و رتبه مال و املاک کسی را جبراً
اشترا و یا با ادعای فضولی بغیر حق حکم بضبط و فروش شود آن املاک و اموال

عین

عینا و در صورت عدم عین قیمتا استرداد و بصاحبانش عاید شده مامور
متجاسر صاحب هر رتبه و منصب بوده باشد بنابر درجه تهمت از ششماه
الی سه سال نفی و جزای محرومیت ابدی را مستوجب خواهد گشت

قاعده صد و هشتم

بزرگ و کوچک رئیس و مرؤس سرکرده و سردسته و سایر هر نوع اشخاص
که واردات دولتی را مقطوعا متعهد شده و حسب المقاطعه بر ذمه گرفته
گرفته ماموریت حاصل کند و در باب مطالبات و اعشار و رسوم و سایر
مطالبات معینه دولت خواه خود و خواه منسوب و ملازم و کماشتگان
واجیرهشان زیادتی نمایند و یا تعارف و تکلیف و غیره بگیرند دیوان
مامورین و شرکاء متعهدین موقتا تبعید و سایر مامورین با جمعی
ملازم و کسان و اجیر و غیره آنها از ششماه الی سه سال بجزای حبس
مجازات و نخواه علاوه بر ما اخذ هر قدر و هر چه بوده باشد مسترد و
عاید و بکمثل نقدی جزای نقدی مطالبه و دریافت خواهد شد

قاعده صد و نهم

هر کس از قبیل مامورین اصحاب رتبه و منصب و سایره در باب مطالبه و وصول
جزای نقدی برخلاف تنظیمات قانونیه پول یا چیز دیگر کم و زیاد جریمه
بگیرند و یا زیاده بر مقدار ما اخذ تحصیلیه جزئی یا کلی چیزی دریافت

نمایند و یا قبل از محاکمه جزای نقدی معینه را مطالبه کنند هر چه گرفته
باشند رد و مساوی آن اخذ یکی به صاحب تنخواه رد شده متجاسرین بجزای ثبوت
مجازات میشوند

قاعده صد و دهم

هرگاه کسی از مامورین وجوه دولت و مملکت بی ملاحظه خدمت عمومی
که نسبت با هالی لزوم بهم رسانده و یا بالتسبب ولیا از روی قانون منظمه
معین شده باشد خود سرانه بمیل و خواهش خود کسی را به بیکاری مجبور سازند
و بلا اجرت بکاری که اجرت المثل معروفه دارد یا مجمل و فرا خود عمل از متجاسرین
این بلعکس برای اشخاصی که بیمزد کار کرده اند دریافت و داده شده و
خودشان از ماموریت مطرود و نباید بجبه ثمت از ششماه الی سه سال
نفی خواهند شد

قاعده صد و یازدهم

هرگاه از مباشرین امور مصلحت و احضار و مامورین نظمیه و کسان و
منسوبان آنها و صاحب منصب و سرباز نظامی در حین عبور و مرور و هنگام
ماموریت در عرض راه و گذرها بلا اجازه و رخصت بخانه مردم روند
بجبر و عنف و رایگان و مفت خوراکی و علوفه و غیره هر چه از قبیل برای
خود و مرکوب خود بگیرند قیمت هر آنچه گرفته باشند مطالبه و بصاحبان

تنخواه رد شده خود شان هم از ماموریت مطرود و از یکهفته الی یکماه
بحبس تادیب خواهند شد و اگر در حرکت اردو و فوج اینحرکات را
جسارت کنند قیمت اشیا از سر دسته مرتکبین گرفته بصاحبانش
رد شده از خدمت خود شان معزول از ششماه الی سه سال بحبس
مجازات میشوند

فصل هفتم

در باب جزای مخالفت اوامر مامورین و عدم اطاعت و تحقیر کنندگان ایشان

قاعده صد و دوازدهم

کسانیکه نسبت باجزای محکمه و مجالس و سایر مامورین دولت علیه در
اثنای اجرای ماموریت و یا بعد از اجرای احکام ماموریت بجهت
همان کار یکه اجرا کرده است باطالة اللسان و اخافه بمعامله حقارت
آمیز که بشأن و ناموس مامورین نقص برساند جسارت کنند
از یکهفته الی ششماه حبس میشوند هرگاه زبان درازی و تهدید
و تحقیر در وقت انعقاد مجالس بوقوع برسد متجاسرین این عمل از
ششماه الی یکسال مستوجب حبس خواهند شد

قاعده صد و سیزدهم

کسانیکه نسبت بمطلق مامورین از عساکر نظامی و حکومتی و سایر ادارات

نظمیه و مستحفظین در اثنای اجرای مأموریت و یا بعد از اجرا بجهة
جاری کردن همان مأموریت بتحقیر و اخافه و اطاله لسان جسارت
نمایند که شأن و منزلت و قدر و ناموس مأمور نقص برسد از دو تومان
الی شش تومان جزای نقدی دریافت شده هرگاه این معاملات
تحقیریه در خصوص صاحب منصب نظام و سرکرده و یوزباشی نظمیه بعمل آید
از یکهفته الی یکماه حبس میشوند و اگر در وقت اخافه و تحقیر تشهیر سلاح
هم کرده باشند در هر حال از شش ماه الی دو سال حبس خواهند شد

قاعده صد و چهاردهم

هرگاه کسی یکی از مأمورین و یا نفریها از اهل نظام و عمله نظمیه را در حین
اجرای خدمات محوله و یا بعد از اجرا کردن همان خدمت بزند و لو بلا
سلاح اگر اثر زخمی ظاهر نشود از شش ماه الی دو سال حبس میشوند

قاعده صد و پانزدهم

هرگاه کسی یکی از مأمورین دولت را که برای اجرای امر حکومت و حفاظت
و اداره مملکت مأموریت دارد در اثنای اجرای وظایف مأموریت کردن و یا
بعد از اجرا بجهة اجرای حکم مجروح کند و یا بعمل مؤثره که موجب مرض
مأمور بشود جسارت نماید بنا بر جرم دو مساوی جزای مترتبه شرعیه
مجازات میشود

قاعده صد و شانزدهم

کسانیکه رسما بمحکمه و مجالس احضار شوند و بلا عذر مقبول در آمدن اهمال
نمایند از پنجهزار الی ده تومان جزای نقدی مطالبه و هر چه در اهمال تکرار
کنند مجازات نیز دو مساوی دریافت میشود

فصل هشتم

در مجازات اشخاصی که بفرار محبوس و اخفای جانی جسارت نمایند

قاعده صد و هفدهم

فرار نمودن اشخاصی که از جانب حکومت اخذ و توقیف شده اند بهر نحوی
واقع شود خواه بخلاف اصول نظم مقصر را بی قید و بند گذارده باشند
و خواه کاریکه فرار کردن محبوس بسهولت ممکن شود کرده باشند
اینگونه مأمورین از صاحب منصب و تابین و مباشر نقل و ایصال و زندانبان
و اهل نوبه از قراول و دربان و سایر مستحفظین محبسیه و امثال آنها
هر کس که بوده باشد از یکهفته الی دو ماه حبس میشوند هرگاه غرض و
صنعت و کاردانی از مأمورین شود مأمور مجازات بر باید در جبر جنایت فراری
که سبب حبس شده بود از شش ماه الی سه سال بحبس تادیب میشود

قاعده صد و هجدهم

هرگاه تهیه اسباب فرار محبوسین از غیر مأمور محافظ ظاهر شود از

در مجازات متجاسرین فک مهر و اخذ امانت و اشیا و اوراق رسمیه

قاعده صد و بیست و دویم

مهریکه بامر اداره دولت و یا محاکم دولتی بجهه حفظ یک محل و یا اشیا و اوراق مشتمل بر مصلحتی وضع شده باشد بهم خورده و کشوده شود اگر این چنین مهرها مامور محافظه داشته باشد از غفلت و عدم مراقبت آن مامور این کیفیت بوقوع برسد از ده تومان الی یکصد تومان از اینقبیل مامور دریافت میشود و هرگاه برای حفظ اوراق و اشیا متعلق بوقوع جنایاتی بود فک کرده باشد غیر از جزای نقدی نظر بدرجه جنایت مامور از سه ماه الی یکسال بحبس نیز مجازات میشود

قاعده صد و بیست و سیم

شخصی که مهر های اوراق و اشیاء مذکوره را باز کند در صورت متعلق بجنایات از ششماه الی یکسال بحبس تادیب میشود و اگر این عمل از مامور محافظه سر بزند از یکسنه الی سه سنه حبس خواهد شد

قاعده صد و بیست و چهارم

هرگاه مهر بهم خورده غیر از متعلقات جنایت بسایر انواع مصالح دایر بوده باشد و مرتکب فک هم از سایر صنوف مردم باشد از یکهفته

یکهفته الی ششماه بحبس مجازات میشود

قاعده صد و نوزدهم

کسیکه برای تحصیل سهولت فرار محبوسین اسباب و آلات و اسلحه که بتوانند بزور و غلبه خود را برهانند بمحبوس بدهد خواه مامور محافظه خواه سایر هر کس که باشد موقتا مقید خواهد شد

قاعده صد و بیستم

اگر کسی از مامورین محافظه حبسیه پول گرفته محبوسی را فرار دهد هرگاه گناه محبوس از موجبات جزاهای جنایات قتل و تقیید و تبعید موبد بوده باشد وجوه بازیافتی دو مساوی بصیغه جزای نقدی دریافت و موقتا مقید خواهد شد و اگر تقصیر محبوس غیر از اینجنایات یکجرم بجزای دیگر بوده باشد فقط برای مرتشی مجازات میشود

قاعده و بیست و یکم

فراری محبس و یا متهم جنایتی را کسی دانسته در خانه خود پنهان کند از ششماه الی دو سال حبس خواهد شد اقربا و ازواج و برادر و همشیره اصلی و فرعی درین باب مستثنا و مرتکب اخفای خویش و تبار از مجازات معاف خواهد بود

فصل هفتم

الی شش ماه و از مامور محافظه از شش ماه الی یکسال بحبس تادیب میشوند

قاعده صد و بیست و پنجم

هرگاه فک مهر بجهت سرقت بوده باشد بعینه مجازات مرتبه متجاسرین بسرقت که کلید درب محل بسته و محفوظ را شکسته جسارت بسرقت کرده اند در حق متجاسر فک مهر جاری میشود

قاعده صد و بیست و ششم

هرگاه کاغذهای دایره یا اوراق مهم و اسناد و جریده و دفاتر و محاکمات دولتی از محلهای مخصوص محفوظ و یا از دست مامورین محافظه اخذ و سرقت و یا محو و تلف شده باشد و وقوع این کیفیات از بی قیدی و مواظبت نکردن مامور محافظه ناشی شده و محقق شود که بقدر مقصری یکماهه از مامور جزای نقدی از روی دریافت و از یکهفته تا سه ماه هم حبس خواهد شد

قاعده صد و بیست و هفتم

خود سارق و ماحی و متلف اوراق و اسناد و غیره از سایر اصناف مردم تا دو سال حبس و از مامور محافظه بعد از مطالبه یکماهه مقرری در عوض جزای نقدی از یکسنه الی سه سنه نیز حبس میشود

قاعده صد و بیست و هشتم

هرگاه این فک مهر و سرقت و محو و تلف بجبر و هجوم آوردن اشخاص بر سر مامورین حفظ اوراق متعلق بجنایت بوقوع برسد متجاسرین بجزای تقییدیه موقت مجازات خواهند شد

قاعده صد و بیست و نهم

مکاتیب تودیعه بچاپارخانه و سایر امثال آن را هرگاه مامورین خود بگشایند و یا باذن و اجازه آنها گشوده شود و یا اطلاع از گشودن آن داشته ممانعت نکنند بعد از اخذ جزای نقدی از دو تومان الی ده تومان از یکماه تا سه سال حبس هم میشوند

فصل دهم

در مجازات اشخاصی که بی اذن و صلاحیت دولت بصفت رسمیه متصف شوند

قاعده صد و سی ام

هر کس بدون اذن و صلاحیت در صفت ماموریت ملکیه و یا عسکریه دیده شود و یا امری متفرع بان ماموریت را اجرا کند اقلا مدت سه ماه حبس میشود هرگاه متجاسر این حرکت بجهة اداره و نشر نیافتن فرمان و احکام و تعلیقه جات نیز جسارت کرده باشد جزای ساختکاران مذکوره در فصل پانزدهم نیز علاوه بر جزای آنکه بصفت رسمیه

دولتی در حقش حکم و جاری خواهد شد

قاعده صد و سی و یکم

هرگاه کسی قبل از آنکه از جانب دولت علیه ماذون و درجه نشانی را نایل
و یا استحقاق حاصل کرده باشد نشان بر خود زند و یا بدون درجه و
ماموریت و یا مافوق درجه و ماموریت خود بتلبیس نوعی از البسه رسمی
بپوشد از سه ماه الی یکسنه بحبس تادیب میشود

فصل یازدهم

در تعرض امتیازات مذهبی و تخریب آثار قدیمه

قاعده صد و سی و دوم

هر کس رسوم و آیین معموله و ماذونه مذهبی صنوف تبعهٔ دولت علیه اسلامیه
شاهنشاهی و یا در اجرای آنها فعلاً و تهدیداً کسی را ممانعت نماید بنا
بدرجه عمل از یکهفته الی سه ماه بحبس تادیب میشود

قاعده صد و سی و سیم

کسانیکه ابنیه و آثار موضوعه خیریه و تزیین بلدیه را عمداً تخریب یا
بعضی جاهایش را خراب نمایند و یا درخت و اشجار مساجد و جوامع
و سیرگاه و اسواق و میدانها را قطع نمایند بعد از اخذ غرامت از
یکماه تا یکسال بحبس مجازات و از دو تومان تا بیست تومان جزای نقدی

دریافت میشود

فصل دوازدهم در مجازات مخل مخابره تلگرافی

قاعده صد و سی و چهارم

هر کس از بی قیدی و بی پروائی هر گونه خدمت و حرکت و آلات تلگرافی را
خلل برساند که مانع از مخابره شود از ده تومان الی یکصد تومان
جزای نقدی دریافت و اگر از روی عمد کرده و ثابت شود علاوه بر جزای
نقدی از سه ماه الی دو سال هم حبس میشود

قاعده صد و سی و پنجم

هر کس سیم و تیر و غیره از آلات تلگرافیه را قسمی خرابی برساند که موجب
تعطیل مخابره گردد از سه ماه الی دو سال الحبس و از ده تومان تا یکصد
تومان جزای نقدی از وی اخذ میشود

قاعده صد و سی و ششم

هر کس در اثنای وقوع یک نوع اختلال و فساد مملکتی یک یا چند خط
تلگرافی را خراب یا بجهات دیگر از کار کردن آن منع و یا بجبر و صور دیگر
ضبط و یا مخابرات و مراسلات جاریه بین المامورین را معطل و یا
مراسله دهندگان را که بواسطه تلگراف مکتوب میفرستند از ارسال
مکتوبات زجر و اذیت و یا بتعمیر خط تلگرافی جبراً مخالفت کند از صد تومان

الی چهار تومان جزای نقدی اخذ و بعد موقتاً مقید میشود

فصل سیزدهم در متعلقات دار الطباعه و اصول مکتب خانه

قاعده صد و سی و هفتم

هر کس بدون عرض و اجازهٔ دولت علیه کارخانه طبع باز کند و یا کتاب و اوراق چاپ نماید مطبعه مسدود و موقوف و صد تومان جزای نقدی را مستوجب است

قاعده صد و سی و هشتم

هر کس نسبت علیه تبعهٔ دولت علیه و یا حکومت سلطنت سنیه کتاب و روزنامه و سایر اوراق مضره طبع و نشر کند مطبوعات ضبط و مطبعه بنا بدرجهٔ عمل موقتاً مقفول و یا مؤبداً موقوف و از بیست تا یکصد تومان جزای نقدی مطالبه و اخذ خواهد شد

قاعده صد و سی و نهم

هر کس هزل و هجو مخالف آداب عمومیه و یا رسم و تصویری ادابیز ابتذال بدهد و یا خود چاپ و نشر کند از دو تومان الی ده تومان مجازات نقدیه و از بیست و چهار ساعت تا یکهفته حبس را مستوجب خواهد شد

قاعده صد و چهلم

هر کس مخالف معارف عمومیه مکتب باز کند مکتب بسته و از ده تومان الی

شصت تومان جزای نقدی را مستوجب است

قاعده صد و چهل و یکم

هر کس بلا رخصت معلمی کند و یا بر خلاف معارف عمومیه تعلیم نماید از معلمی ممنوع و از دو تومان تا بیست تومان جزای نقدی از وی دریافت میشود

قاعده صد و چهل و دوم

هر گاه در مکتبی بر خلاف نظم معارف عمومیه کتابی تدریس شود چنانچه مدیر مکتب تدریس کتاب را امضا کرده باشد همان مدیر و الا معلم خود از یکهفته الی یکسنه حبس میشود

فصل چهاردهم در مجازات قلابی و قلب زنی

قاعده صد و چهل و سیم

هر کس شبیه سکهٔ مقبول و معروف و متداول مملکت طلا و نقره قطع و سکه بزند یا از مسکوکات معموله باستعمال اجزا و آلات از قبیل تیزاب و سوهان زدن و غیره زر و سیم اخذ و اخراج و قیمت مسکوک را ناقص کند و یا مسکوک کم بها را برنگ سکهٔ پر قیمت رنگ کرده بجای آن خرج و در ممالک محروسه متداول سازد و یا از خارج مسکوکات قلب ناسره را بممالک داخل و یا معین دخول و یا مشغول داد و ستد اینگونه پولهای بد بوده باشد فلا مدت ده سال موقتاً مقید خواهد شد

قاعده صد و چهل و چهارم

هر کس شبیه سکهٔ مسبوکه مثلاً ولهٔ مملکتی سکه قطع کند و یا معین دخول این قبیل مسکوکات قلب را از خارجه بداخله و تداول آن بوده باشد موقتاً مقید خواهد شد

قاعده صد و چهل و پنجم

هر کس شبیه مسکوکات خارجه را سکه و قطع کند و یا از قرار مذکور فوق قیمت آنها را با اجزا و آلات کسر و نکش را تغییر بدهد و یا بدخول و تداول آنها اعانت نماید و یا داد و ستد آنها را کسب و شغل خود قرار دهد موقتاً مقید خواهد میشود

قاعده صد و چهل و ششم

کسیکه نیتش پول قلب خرج کردن عادی و معروف نبوده ولکن پولهای معیوب مذکوره در فوق را بظن صحت آنها نشستر خرج کسی بدهد لا اقل سه مثل نخواهی کرد فساد و عیب آنرا دانسته خرج کرده است جزای نقدی از وی دریافت خواهد شد لیکن این جزا در هیچوقت از دو تومان کمتر نمیباشد

قاعده صد و چهل و هفتم

کسی چگونگی قواعد (۱۴۳) و (۱۴۴) و (۱۴۵) را قبل از شروع بکار و یا در اثنای آن و یا بعد از اتمام بحکومت اطلاع بدهد و یا در اخذ

وگرفتاری مرتکبین بعد از شروع خدمت و رهنمائی بمامورین دیوان بکند از مجازات معاف فقط در تحت تبعیت نظمیه موقتاً خواهد ماند

فصل پانزدهم

در کیفیت ساختکاری و شبیه سازی خطوط و نوشتن اسناد و غیره

قاعده صد و چهل و هشتم

هر کس درباره فرامین و احکام و صحه همایونی و امضا و امهار خاصه مامورین دولتی بالجمله هر گونه قبض و برات و اسناد و کتابچه دستور العمل و دخل و خرج و تحویلات و طومار مثلاً و لایحه خزانه عامره و سند و فرمان مبارکه تقلیداً و تشبیهاً صحه و امضا و مهر بسازد و یا بتغییر و تبدیل خطوط کم و زیاد نموده استعمال کند و این قبیل ساختگیها را فرمایش داده که غیره بکار ببرد و یا اینگونه قوایم و اسناد را از خارجه بممالک محروسه بیاورد سازنده و خواهنده و آورنده و استعمال کننده لا اقل ده سال موقتاً مقید یا مبعد خواهند شد

قاعده صد و چهل و نهم

هر کس شبیه داغ و تمغاهای دیوانی را تقلیداً بسازد و یا بحیله و ساختگی تغییر بدهد بجزای تقیید و یا تبعید کمتر از ده سال زیادتر نباشد محکوم خواهد شد هرگاه یکی از این تمغاهای نشاندار دیوانی را بتغییر بدست آورده

بمهر دولت و مملکت استعمال کند سه سال حبس میشود

قاعده صد و پنجاهم

هر کس شبیه سایر مهر و تمغا و نشانهای مخصوصه دولت را اگر باجازه
ستینه برای نشان امتعه و اشیاء و یا مأموریت و شرکت و تجارت درست
شده باشد بسازد و یا این قبیل نشان و مهر ساختگی را بکار برند سه
سال حبس و غرامت ضرر و اضعه از این عمل از وی اخذ و دریافت میشود
هر کس اصل این مهر و نشان را بدست آورده بمهر حکومت و مأموریت
و یا بمهر جمعیت تجارت و سایر هیئت و شرکت مخصوصه استعمال کند
از شش ماه الی یکسال بحبس تادیب و غرامت ضرر و اضعه مطالبه و دریافت میشود

قاعده صد و پنجاه و یکم

هر کس از این قبیل متهمین قبل از اتمام عمل ساختگی و یا پیش از اطلاع و
تفحص حکومت صورت حال و چگونگی عمل متجاسرین این جنایت را آگاهی اخبار
بدهد و یا بعد از شروع بتحقیق و تفحص در گرفتاری متهمین خدمتی
بجا بیاورد از کیفر ارتکاب ساختکاری معفو فقط تحت تبعیت نظمیه
موقتاً در حق وی جاری و جایز میباشد

قاعده صد و پنجاه و دوم

مأموری دیگر در باب احکام و اعلام مأموریت و سایر اسناد دفتری و

سجلات

سجلات و روزنامه که هنگام عزیمت بمحل مأموریت قبل از حرکت بوی
تسلیم میشود ساختگی بکار برد اعم از اینکه خطی ما بین السطور علاوه
کند و یا خط و خاتم و امضای آنرا تغییر بدهد و یا اسمی را باسم دیگر
تبدیل و شروع باجرای مأموریت نماید ساختکار هر قسم مأمور و
ساختگی هر نوع امری بوده باشد لااقل ده سال بتبعید یا تقیید موقتی را
مستوجب خواهند شد اگر سازنده از مأمورین نباشد بجزای
تقیید یا تبعیدی که از هفت سال متجاوز نشود مجازات میشود

قاعده صد و پنجاه و سیم

هر مأموری که در مجالس و محاکم و سایر امکنه دولتی مأمور عباد در اثنای
که بر حسب مأموریت اسناد و اوراق رسمیه ارباب مصالح را انجام
میدهد اصل ماده و عمل و یا یکی از متفرعات آنرا بحیله و ساختگی تغییر
بدهد مثل اینکه بر خلاف تقریر و افاده صاحبان مصلحت چیزی
بنویسد و یا مطالب غلط را بجای صحیح بگذارد و یا غیر معترف را بحکم
اعتراف بیاورد لااقل ده سال بتبعید یا تقیید موقت خواهد شد

قاعده صد و پنجاه و چهارم

هر کس یکی از این اوراق ساخته مذکوره را در جایی بکار برد بجزای
تقیید یا تبعیدی را که از هفت سال متجاوز نباشد مستوجب میشود

قاعدهٔ صد و پنجاه و پنجم

هر کس اوراق مخصوصهٔ تخطئه را بنحویکه مذکور شد تبا زد و یا اوراق ساختهٔ استعمال کند از یکسال تا سه سال حبس میشود

قاعدهٔ صد و پنجاه و ششم

هر کس با اوراق وامر طرق و تذکره و باشپورتهای عبور اسم ساختگی نویساند و یا اینگونه حیله کاغذ را تحصیل و کفالت کند از ششماه تا دو سال حبس میشود

قاعدهٔ صد و پنجاه و هفتم

هر کس اوراق وامر مرور و تذکره و باشپورتها را تبا زد و یا ورقهٔ صحیحهٔ آنها را تحریف کند و یا اینگونه اوراق ساخته و تحریف یافته را استعمال نماید از یکسال تا سه سال حبس میشود

قاعدهٔ صد و پنجاه و هشتم

هر کس از مهمانداران مترددین و غربا که در کاروانسراها و قهوه‌خانه و آشپزخانه و غیره هر روز کسب و کارشان خدمت آیند و رونده بوده خانه و اطاق و منزل و مکان برای سکونت آنها میدهند و یا اطعمه و اشربه تدارک میکنند اسامی ساکنین محل آسایش را که بر حسب اعلان تنظیمات دولتی باید ثبت کند باشتباه اسمی و شناختگی

بدفتر خود ثبت کرده باشند و یا عمل اعلان و ثبت معمول نبوده وقتی بحسب لزوم اسامی مترددین آنجا را از وی بخواهند در دادن اسامی تعلل و حیله بکار برد از یکماه تا سه ماه حبس میشود

قاعدهٔ صد و پنجاه و نهم

هر کس از مامورین اوامر عبور و تذکره برخلاف ضابطه و مغایر قواعد نظم و سلامتی مترددین بکسی تذکره بدهند که در اثنای عبور کفالت او را بکنند از ماموریت معزول و از ششماه الی یکسال حبس میشوند اگر دانسته اسامی ساختگی بر کاغذ تذکره میدهند بنویسند از ششماه تا دو سال حبس میشوند

قاعدهٔ صد و شصتم

هر کس بخواهد خود و یا دیگری را بسبب تمارض علت جسمانی از خدمت و نوکری دولت معاف بدارد و کاغذ شهادت نامه بر بودن علت و مرض بی اصل بمهر و یا باسم و امضای طبیب و جراح و غیره تبا زد از یکسال الی سه سال حبس میشود

قاعدهٔ صد و شصت و یکم

هر کس از طبیب و جراح مبنی بر التماس و خواهش بجهت معاف از خدمت و نوکری دیوان درباره کسی بمرض و علتی که اصل نداشته باشد تصدیق

نامبرده بعد از یکسال تا سه سال حبس خواهد شد و اگر بنا بر تعارف و پول با اسباب ساختگی کار مرتکب شده باشند بجزای مرتشی مستوجب و دهنده پول هم بکیفر راشی مجازات خواهند شد

قاعده صد و شصت و دوم

هرگاه کسی از اسباب ساختگی کار بهانه نشناخته استعمال کرده باشد از جزا معفو است

فصل شانزدهم در مجازات آتش افروزی

قاعده صد و شصت و سوم

هر کس ابنیه مسکونه و غیر مسکونه شهر و قصبه و قریه و یا بناهای برونی و سفاین مخصوص و مستعمل و قابل سکنا را خواه از مال خود و یا از دیگری عمداً آتش زده بسوزاند بجزای اعدام مجازات میشود

قاعده صد و شصت و چهارم

هر کس ابنیه و سفاین بیرون شهر و قصبه و قریه را که مخصوص و مستعمل و قابل سکنا نبوده باشد بسوزاند و یا محصولات و خشک که هنوز از اراضی برچیده و درو نشده باشد آتش بزند موقتاً و اگر از مال خود بوده عمداً آتش زده از سرایت حریق آن ضرری بدیگری برسد موقتاً مستحق بجزای نفیشید خواهد شد

قاعده صد و شصت و پنجم

هر کس هیزم و تختههای بریده و محصول برچیده را عمداً بسوزاند موقتاً مقید و اگر مال خود بوده از این حریق اختیاری ضرر و خساره بدیگری برسد موقتاً معتقل میشود

قاعده صد و شصت و ششم

در ظهور هر گونه حریق که در موضع محترق یکی از بادها از اثر آن تلف شود آتش افروزان مطلقاً بجزای اعدام مجازات میشود

قاعده صد و شصت و هفتم

هر کس برای احراق هر گونه ابنیه و اموال و املاک کسی را مجبور کند کیفر همچو کس نفیشد است

باب ثانی در جنایت و جنحه وارده بر افراد و اشخاص

فصل اول در مجازات ضرب و اخافه و قتل و زخم

قاعده صد و شصت و هشتم

قتل اعم است از کشتن بسلاح و مسمومات و غیره

قاعده صد و شصت و نهم

قتل تعمد تصور و تصمیم کشتن کسی است در ذهن قبل از وقوع فعل قتل

قاعده صد و هفتادم

چنانچه قتل تعمدی از قاتلی بحسب قانون محقق شود موافق قانون اعدام
قاتل عامد حکم داده خواهد شد

قاعده صد و هفتاد و یکم

چون حکم قانون حقوق شخصیه را اسقاط نمیکند هرگاه مقتول وارث
داشته باشد دعوای حقوق شخصیه از روی ادعاهای ایشان بمحاکم شرعیه
حواله میشود

قاعده صد و هفتاد و دویم

قاتلیکه از جزای قصاص یا اعدام معفو بشود یا موبدا یا اقلا مدت
پانزده سال مقید میشود

قاعده صد و هفتاد و سیم

هر کس از اصحاب جنایت و شقاوت مستمره بوده برای کار بردن یک
جنایت عظیمه بکسی شکنجه و یا بصفت عذاب اشد بدهد اذیتی بکند و مسبوق
بودن وی محقق و معین گردد بحسب این جزای قاتل درباره وی حکم
خواهد شد

قاعده صد و هفتاد و چهارم

کسی من غیر تعمد کسی را تلف کرده باشد مدت پانزده سال مقید
میشود هرگاه بقصد جنایتی قضیه اتلاف نفس بظهور آید خواه جنایت را

جاری کرده باشد خواه نکرده باشد و یا در اجرای جنحه اتفاق افتاده
باشد شخص متلف نفس در اینصورت بحسب قواعد قانونیه باجرای اعدام
مجازات میشود

قاعده صد و هفتاد و پنجم

معین قاتل موقتا مقید خواهد شد

قاعده صد و هفتاد و ششم

هر کس جسد مقتولی را بجهت آشکار نشدن و پنهان کردن عمل قتل مخفی
دفن کند و بدون عرض بحکومت بخاک بسپارد از یکماه تا یکسال حبس
از دو تومان تا ده تومان جزای نقدی از وی دریافت میشود هرگاه
در ماده قتل هم شراکت داشته باشد جزای قتل علاوه بر مجازات
دفن خفیه درباره وی جاری خواهد شد

قاعده صد و هفتاد و هفتم

هر کس عضو کسی را بزدن و یا زخم نمودن معطل و مقطوع کند پس از
استیفای مصارف جراحیه و دیت محکوم مدت سه سال مقید خواهد شد
و اگر عمدی بودن جنایت معلوم شود یعنی قبل از وقت تصور و تصمیم اجرای
جنایت را در ذهن داشته باشد جزای قتل ده سال تمدید خواهد یافت

قاعده صد و هفتاد و هشتم

مرکب سبب جرح و ضربی زیاد تر از سبب دوم باعث ناخوشی و مرض و یا
از کار باز ماندن کسی بشود مصارف جراحیه و اجرة المثل کسب و تجارت
مضروب و مجروح از ضارب و جارح مطالبه و بوی داده میشود و مدت دو
ماه الی دو سال الحبس را نیز مستوجب است اگر قصد و تصمیم مرتکب محقق و
مبرهن شود مدت حبس سه ماه تا سه سال خواهد بود

قاعده صد و هفتاد و نهم

هرگاه در جنحه ضرب و جرح کمتر از مراتب قاعده فوق بوده باشد یا از یک هفته
الی یک سال الحبس یا عوض حبس دو تومان الی ده تومان نقد از مرتکب گرفته
بمجروح و مضروب داده میشود و یا حبس و نقد هر دو درباره وی حکم و
ترتیب تواند شد اگر قصد و تصمیم مبین گردد بعد از اخذ و رد نقد خواه
مسطوره مدت حبس از یکماه تا دو سال امتداد میپذیرد

قاعده صد و هشتادم

هرگاه اینگونه ضرب و جرح در صورت قصد قتل کشتن واقع شود و در جنحه
قتل از موانع اتفاقیه و یا از عدم قدرت ممکن و حادث نشود و مراتب
قصد تحقق پذیرد در اینصورت بعد از اجرای جزاهای قواعد ثلاثه فوق
بنا باندازه واقعه ضرب و جرح خواه سنگین خواه سبک همین که قصد
قتل آشکار گردید مرتکب در هر حال موقتاً مقید میشود

قاعده صد و هشتاد و یکم

هرگاه افعال قتل و جرح و ضرب در مواقعی که مقصود نهب و غارت اموال
بوده باشد واقع شود غیر از کیفر مرتکب و مجاسر باعث و محرک اینگونه
اختلال نیز مثل مرتکب مجازات خواهد شد در امر قصاص فقط حکم شرعی
بهر چه علاقه بگیرد مجری خواهد شد

قاعده صد و هشتاد و دوم

هرگاه کسی بغیر قصد و خطا کسی را تلف کند و یا سبب اتلاف نفس شود
بعد از استیفای حقوق شرعیه ورثه مقتول چنانچه کیفیت از عدم رعایت
باوامر نظم دیوان اعلی از قاتل ناشی شده باشد از شش ماه الی دو سال
کیفر بمناسبت درباره وی جاری خواهد شد

قاعده صد و هشتاد و سیم

در باب ضرب و جرح نیز هرگاه بغیر قصد و خطا کسی سبب نقص و قطع عضو
و یا خود فاعل آن بوده باشد بعد از استیفای شرعیه چنانکه از عدم
رعایت نظم و قانون مرتکب شده باشد از یک هفته الی دو ماه حبس میشود

قاعده صد و هشتاد و چهارم

کسی بامر آمر جابر بقتل رسیده باشد جزای قتل در خوی آمر جابر خواهد شد
مقصود از آمر جابر کسی است که در صورت مخالفت مامور مقتدر بقتل وی

بوده باشد والا در غیر این صورت مامور معذور نبوده جزای قتل در حق
خود او جاریست اینگونه آمر غیر جابر خود نیز موقتا مقید خواهد شد

قاعده صد و هشتاد و پنجم

در باب جرح و ضرب نیز همچنین جزا در حق آمر جابر مقتدر جاری میشود
اگر آمر جابر غیر مقتدر بوده باشد قصاص در حق مرتکب جاری و آمر
از یک هفته الی یک سال الحبس میشوند مگر در صورت قطع و تعطیل اعضا
که آمر در هر حال مستحق جزای تقیید خواهد شد

قاعده صد و هشتاد و ششم

مرتکب افعال قتل و جرح در مدافعه محافظه نفس و عرض معافست

قاعده صد و هشتاد و هفتم

از هر کس برای منع و دفع کسی که نردبان گذارده در شب بکاروانسرا و یا
دکان و یا خانه و اطاق کسی بالا رود یا جبر و قهر جاهائی را که در تحت کلید
منظم است بشکند و یا دیوار خانه و سایر مشتملات آنرا سوراخ کند و
یا در شب را بشکند افعال قتل و جرح بظهور برسد کذلک از اجزای
عمل واقعه معافست

و اگر کیفیت روز بوقوع برسد چنانکه افعال قتل و جرح و ضرب هم
بالکل معاف نبوده باشد فاعل خود معذور بوده جزای مذکوره در

قاعده

قاعده یکصد و نود در حق او معمول خواهد شد

قاعده صد و هشتاد و هشتم

کسی زوجه یا یکی از سایر محارم خود را با کسی در اثنای ارتکاب بفعل
شنیع دیده هر دو را در یکجا بکشد کذلک معذور است

قاعده صد و هشتاد و نهم

مرتکب فعل قتل و جرح و ضرب در مقابله و مدافعه معذور است مگر
نسبت بمامورین نظمیه که این مامورین خود در صورت اجرای ماموریتی
که بمقتضای افعال مذکوره از جانب دیوان حکم شده باشد از افعال
قتل و ضرب و جرح مسئول نخواهند بود و مقابله کنندگان اینها
هیچوجه معذور نتوانند شد

قاعده صد و نودم

قاتل و جارح و ضارب که معذوریت وی محقق شود از سه ماه تا سه
سال الحبس دارد و یا بایجاب عمل از پنجاه تا ده سال هم تحت تبعیت
نظمیه گرفته میشود

قاعده صد و نود و یکم

هر کس بتوسط فرستاده یا پیغام و سفارش یا بموجب نوشته
یا بمهر و امضا یا بلا مهر و امضا از کسی چیزی بخواهد و حوالجاتی

بکند که بدهد و یا سایر تکالیف وی را بنماید و در صورت عدم قبول
خواهش و تکالیف اظهار تهدید و اخافه نموده باشد که جنین و خاین
میکشم هرگاه این اظهار تهدید و اخافه را و موجب مضرتی بوده باشد که
در صورت وقوع آن مضرت مرتکب مستوجب جزای اعدام و یا تبعید
میباشد متجاسر اظهار این جنایت بی آنکه بفعل بیاورد بمحض اظهار تهدید
مستوجب تبعید موقت بوده درباره وی جاری خواهد شد اگر تهدیدات
وی از موجبات جزاهای جنایات مذکوره نبوده خفیفتر از آنها بوده
باشد باز قبل از آنکه بفعل بیاورد بمحض اظهار تهدید از یکسال تا سه سال
حبس و از شش تومان الی چهل تومان جزای نقدی را مستوجب درباره وی
حکم و اجرا خواهد شد

فصل دویم

در مجازات اسقاط جنین و فروش مشروبات مخلوطه و سمیات بی کفالت

قاعده صد و نود و دویم

هر کس بفعلی از ضرب و غیره باعث اسقاط جنین ضعیفه بشود پس از استیفای
دیه شرعیه اگر این تعدی عن قصد از وی سرزده باشد موقتا تبعید میشود

قاعده صد و نود و سیم

برای اسقاط جنین خواه برضای حامله یا بی رضای او کسی دوائی بخورد

ضعیفه

ضعیفه بدهد و یا علاج اسباب اسقاط را طوری تعریف نماید که بوسیله
تعریف و تقریر وی اسقاط جنین صورت بگیرد باعث و بانی این عمل از
ششماه الی دو سال حبس میشود و اگر باعث طبیب و جراح و دواساز
بوده باشد موقتا مقید خواهند شد

قاعده صد و نود و چهارم

هرگاه کسی بلا قصد اتلاف نفس بدادن چیزی باعث ناخوشی و از کار و کسب
بازماندگی کسی بشود از یکماه تا یکسال حبس و از شش تومان الی پنجاه تومان
وجه غرامت دریافت و بشخص متاثر داده میشود

قاعده صد و نود و پنجم

دواساز و دوافروشی که بدون تصدیق و شهادت نامه دکان باز
کرده باشد اول دکانش بسته شده بعد از بیست تومان الی یکصد
تومان جزای نقدی از آنها اخذ و مطالبه میشود

قاعده صد و نود و ششم

فروشندگان اجزای مفرده که بصحت عمومیه خلل برسانند از قبیل
مشروبات مخلوطه و مسمومات بی کفالت بوده باشد از یکهفته الی دو
سال حبس میشوند و از دو تومان الی پنجاه تومان جزای نقدی هم از آنها
دریافت و اشیا فروشی نیز هرچه بوده باشد ضبط حکومت خواهد شد

فصل سیم — در مجازات هتک عرض

قاعده صد و نود و هفتم

هر کس با کودکی که سن وی کمتر از یازده سال بوده باشد مرتکب فسق بشود لا اقل شش ماه حبس میشود

قاعده صد و نود و هشتم

هر کس درباره هتک عرض کسی جبراً مرتکب فسق و شناعت بشود موقتا مقید میشود

قاعده صد و نود و نهم

هر گاه وقوع این افعال شنیعه جبریه از کسانی سر بزند که شغلشان خدمت عامه و یا مربی و ولی و وصی بودن باشد که حکم آنها درباره منفعل جاری بوده باشد لا اقل پنج سال مقید موقتی را مستوجب خواهند شد

قاعده دویستم

اگر این فعل شنیع جبری درباره دختر باکره یعنی شوهر نکرده بوقوع برسد مجازات علاوه بر جزای تعیین موقتی مستحق ادای وجه غرامت متضمنه نیز خواهد بود

قاعده دویست و یکم

هر کس ابنای زمان و جوانان عصر را از ذکور و اناث بمنافی آداب و حرکات عمومی باضلال و اغفال گمراه و بمحسنات تحریک و ترغیب کند و اسباب

سهولت حصول فحشیه را مهیا سازد از یکماه تا یکسال حبس میشود اگر اینگونه تضلیل و تغفیل از پدر و مادر و یا ولی و وصی ظاهر شود از شش ماه تا هیجده ماه حبس میشوند

قاعده دویست و دوم

هر کس آشکارا مغایر ننگ و عار و حیا بفعل شنیع جسارت کند از سه ماه تا یکسال حبس و از دو تومان تا بیست تومان بجزای نقدی را مستوجب و درباره وی حکم خواهد شد

فصل چهارم

در حبس و توقیف اشخاص بر خلاف اصول و قواعد محکوم و سرقت صبی و مراهق و افتضاح گریزانیدن دختران و اطفال

قاعده دویست و سیم

هر کس از مامورین و گماشتگان دولت بدون امر و اجازه حکومت و یا بر ضد اصول و قواعد نظامات معینه اصحاب تهمت را حبس و توقیف کند و یا بطور رهن نگاه دارد از شش ماه تا سه سال حبس میشود و هر کس اشخاص مستوجب حبس و توقیف و رهن و نگاهداشتن را دانسته برای خفا و پنهان شدن آنها جای نشان دهد کذلک از سه ماه تا سه سال حبس میشود

قاعده دویست و چهارم

هر کس بصورت زی و قیافه مامورین حبس و توقیف درآمده و یا باسم ساختن

متمسك شده و با چیزهای ساخته از جانب مأمورین نشان داده با اجرای عمل
حبس و توقیف اشخاص مذکوره جسارت کند موقتاً مقید خواهد شد
و همچنین هر کس محبوسین و موقوفین را بکشته شدن بترساند و یا شکنجه و اذیت جسمی
بوی برساند در هر حال موقتاً مقید میشود

قاعده دویست و پنجم

هر کس طفلی را بجای طفل دیگر تبدیل کند و یا زنی را که طفلی را نزاییده همچو
وانمود کند که زاییده او است از ششماه تا سه سال حبس میشود و سارق صبی و
غایب کننده طفل نیز کذلک از ششماه تا سه سال مجازات حبس دارد چنانچه
در مدت حبس مقرره طفل را حاضر نکند تا حاضر نکرده است از حبس
خلاصی ندارد مگر طفل فوت کرده و فوتش معین شود

قاعده دویست و ششم

هر کس طفل نابالغی را بجبر و یا حیله بطرفی بگریزاند از سه ماه تا یکسال حبس
میشود و اگر این طفل نابالغ دختر باشد گریزاننده موقتاً مقید خواهد شد
و اگر فعل شنیعی در حق دختر عمل آید مرتکب بجزای نهایت درجه که برای
این فعل معین است مجازات میشود هر گاه دختر منکوحه کسی بوده باشد
باقتضای شرعیت آن رفتار میشود

فصل پنجم در جزای شهادت کاذبه و قسم دروغ

قاعده ٢٠٧

قاعده دویست و هفتم

هر کس در باره نفع و ضرر متهمین امور متعلق بجنایات شهادت دروغ
داده باشد بعد التشهیر موقتاً مقید میشود اگر متهمین جنایت بشهادت
کاذبه شاهد بجزای شدیدتر از تقیید موقتی مجازاتی را مبتلا شود
شاهد کاذب نیز بعینها با آن جزا مجازات میشود

قاعده دویست و هشتم

هر کس در حق نفع و ضرر متهمین امور متعلق بجنحه و قبایح شهادت دروغ
داده باشد از یکماه تا پنجماه حبس میشود

قاعده دویست و نهم

هر کس در دعاوی عادیه شهادت دروغ داده باشد از ششماه تا یکسال
حبس دارد

قاعده دویست و دهم

شاهد کاذب چنانچه در ضمن شهادت دروغ پولی هم گرفته شهادت
داده باشد بمثل آن وجه راد و ستد شده نیز در یافت شده و گیرنده
بجزای راشی و مرتشی مجازات میشوند

قاعده دویست و یازدهم

هر کس صاحبان شهادت صحیحه و مستقیمه را اگر قسما از شهادت منع کند و یا

کسی را جبراً بشهادت دروغ امر نماید بجزای مرتبهٔ شهادت دروغ در حق وی جاری میشود

قاعده دویست و دوازدهم

در دعاوی عادیه چنانچه نسبت باثبات حقوق مدعی وارد آید کسی قسم دروغ بخورد بعد التشهیر اقلاً شش ماه حبس خواهد شد

فصل ششم در مجازات افترا و دشنام و افشای راز

قاعده دویست و سیزدهم

هرکس گناهان داعی مجازات قانونیه و چیزهای موجب نفرت خلق را تحریراً یا تقریراً و یا بتعلیق و نشر اوراق چاپی در میان جمعیت بکسی اسناد بدهد و یا در مأمورین دولت بغرض مضحکه افترا شود و افترا بودن اسنادات وی مبین شود جزای مرتبه مرتکب افعالی که اسناد داده بعینه در حق مفتری جاری میشود مگر اخبار وقایع بحکومت و یا ادعای حقوقی از این قاعده مستثناست

قاعده دویست و چهاردهم

هرکس سخن مخل ناموس از معایب مخصوصه و غیره مثل دشنام در حق کسی بگوید از بیست و چهار ساعت الی یکماه حبس میشود و یا عوض حبس از یک تومان تا شش تومان جزای نقدی از وی دریافت میشود

قاعده دویست و پانزدهم

هرکس از اطباء و جراح و دواساز و دایه و قابله و امثال آنها اشخاص را باقتضای صنعت سری تودیع شده باشد غیر از آنجاهائیکه باید بر حسب قانون دولتی ابراز کند در جای افشای راز کسی کند از بیست و چهار ساعت الی یکهفته حبس از یک ریال تا بیست ریال جزای نقدی ازاو دریافت میشود

فصل هفتم در مجازات سرقت و دزدی

قاعده دویست و شانزدهم

زوج و زوجه خواه جمع المال و متفق و یا جدا و مغایر بوده باشند مال خاصه یکدیگر را و همچنین پدر و مادر مال اولاد و سایر خویش و قوم اصلی و فرعی را و اولاد و سایر خویش و قوم اصلی و فرعی مال پدر و مادر و خویش و قوم اصلی و فرعی را بالجمله سوی سکان اصول و فروع مال متعلق بیکدیگر را اخذ و تصاحب کنند اموال بعینه مطالبه و مسترد خواهد شد چنانکه مال مسروقه تلف شده و شخص مقتدر غرامت بوده و در مادهٔ سرقت هم اعتیاد و اصرار و تکرار داشته باشد حبس خواهد شد هرکس در مخفی کردن و نگاهداشتن اینگونه اشیاء دستیاری با آنها داشته و یا برای جلب منفعت خود بعضی یا همه این اسباب را استعمال کرده و بکند در حکم سارق مجازات میشود

قاعده دویست و هفدهم

جزای سرقتی که همه اینحالات پنجگانه در آن جمع شده باشد تبعید مؤبد
است (۱) اینکه در وقت شب واقع شد (۲) رفیق داشتن است خواه یکنفر خواه
زیادتر (۳) سلاح بستن خواه مخفی یا آشکار و لو یکنفرش (۴) داخل
مسکونه از خانه و اطاق و سایر مشتملات و غیره شدن خواه دیوارش را
ریخته داخل شوند و خواه با نردبان بالا روند و یا در خانه را بشکنند و یا
قفلش را بردارند و یا در لباس و نشان مامورین داخل شوند و یا از جانب
نظمیه و کرمه حرف ساخته زننده در را برروی خود باز دارند تا مانع از دخول
نشوند (۵) بکشیدن سلاح و تشدید صاحب مال را ترسانیده داخل شوند

قاعده دویست و هیجدهم

سارقیکه با دو فقرهٔ اول و یکفقرهٔ آخر یعنی شبانه رفیق و کشیدن سلاح و
ترسانیدن صاحب مال دزدی کند موقتا مقید میشود اگر در حالت
سلاح کشیدن و ترسانیدن زخمی هم زده باشد مؤبدا تبعید خواهد شد

قاعده دویست و نوزدهم

چند نفر متفق در شارع عام وقت شب دزدی کرده باشند مؤبدا مقید میشوند

قاعده دویست و بیستم

هرگاه در امکنهٔ غیر مسکونه که در و دیوار محدود و محکم داشته باشد دیوارش را

سوراخ

سوراخ کرده و یا از نردبان بالا رفته و یا با آلت مخصوص در را گشوده
داخل شوند و دزدی کنند موقتا مقید خواهند شد

قاعده دویست و بیست و یکم

سرقتی که با اظهار اخافه و ترسانیدن صاحب مال شده ولی زخم زده
و حالت دیگری ظهور نکرده و یا بدون اخافه در شب با رفیق و سلاح بوده
دزدی کرده باشند کذلک موقتا مقید میشوند

قاعده دویست و بیست و دویم

هر کس با یکی از حالات مسطورهٔ الذیل دزدی کرده باشد مدت سه سال
حبس میشود (۱) شبانه و با اتفاق دو نفر یا زیادتر و با یکی از این دو حالت
را داشته ولی در میادین و معابد یکه نشستن و برخواستن مردم اکثر در آنجا
میباشد دزدی کنند (۲) در روز بی رفیق ولی در غیر اینجاها اینکه مردم
کثرت دارند با سلاح بستن خواه در زیر لباس و خواه آشکار دزدی کنند
(۳) نوکر موظف از خانهٔ آقا یا رفقای آقا و یا از خانه کسانیکه همراه آقا میشود
بلا انجام رفته دزدی کند و یا عمله و شاگرد اصناف و کسبه از خانه و دکان و
کارخانه استادش چیزی بدزدد و یا در جائیکه هر روز اسم او را کار کن
بوده دزدی کند (۴) مستاجرین خانه ها آمد و شد و حمامی و آشپز و
کاروانسرادار و کشتیبان و عراده چیان کرایه بگیر و سایر اینگونه مردمان

از امانات نقود بعد بخود شان خود یا کسان آنها چیزی را بدزدند

قاعده دویست و بیست و سیم

قاپچی عرّاده چی کاریچی و سایر مکاریان حمل و نقل امانات قدری از ماکول
و مشروب سپرده بخود برداشته بجایش چیز مضرّه گذارد منجاسر اینعمل این
مدّت سه سال حبس دارد اگر چیزیکه بجای مسروقه میگذارند مضرّ وجود
نبوده باشد مدّت حبس از سه سال الی یکسال بوده از یکتومان تا ده تومان
جزای نقدی را مستوجب میشوند

قاعده دویست و بیست و چهارم

هر کس اسب و سایر حیوانات سواری و باری و عرّاده و مطلقا گوسفند و آلات
زراعت و تخته و هیزم بریده و مهیای برای فروش و سنگ بریده سنگ تراشان
و ماهیان شکار شده و ماهی حوض و برکه ها را سرقت کند از یکماه تا یکسال
حبس و اموال مسروقه یا بقیمت مسترد خواهد شد

قاعده دویست و بیست و پنجم

هر کس از خرمن یا انبار دشتی مزروع چیده و درو یده یا سایر محصول منفعة
ارضیه و حبوب حاصله که بجا جمع شده باشد سرقت ببرد پس از ابقای حقوق
ارباب حقوق از بیست و چهار ساعت الی سه ماه حبس را مستوجب میشود
و اگر این دزدی در شب و یا باتفاق و دستیاری چند نفر بحمل عراده و بارگیری

حیوانات دیگر واقع شود تا یکسال الحبس میشود

قاعده دویست و بیست و ششم

مزروع و سایر محصول منفعة ارضیه که هنوز چیده و درو نشده باشد
خواه با تور و توبره و یا سایر امثال آنها کوله بار و پشته بسته و خواه
بحمل کاری و حیوانات باری و یا بدستیاری مردان کاری سرقت شود منجاسر این
از بیست و چهار ساعت الی سه ماه حبس میشوند

قاعده دویست و بیست و هفتم

هر کس علامت حدود و سنور املاک را تغییر و تبدیل داده فصل شدن زدی
بوده باشد از پانزده روز تا سه ماه حبس میشود

قاعده دویست و بیست و هشتم

هر کس شبیه آلات را بسازد و یا مخصوصا برای گشودن اقفال آلتی درست
درست کند از سه ماه تا یکسال الحبس میشود و اگر مرتکب از صنف چلنگر
و کلید ساز بوده باشد موقتا منفی خواهد شد

قاعده دویست و بیست و نهم

هر کس بزور و جبر از کسی قبض رسید و نوشته تحویل بگیرد و یا اینگونه
نوشتجات تحویلی را بمهر و امضا برساند موقتا منفی خواهند شد

قاعده دویست و سی ام

هر کس غیر از اقسام سرقتهای مذکوره درین فصل مرتکب عمل کیسه و سایر
تردستیها شده از پیش رو و پهلو و دم دکان کسی چیزی برباید از سه ماه
تا یکسال الحبس و در تحت شعبهٔ نظمیه نیز گرفته خواهد شد

فصل هشتم در جزای متهم افلاس و سرهم بندی

قاعده دویست و سی و یکم

هر کس بحیل مسطوره در قانون تجارتی خود را مفلس قلم بدهد و کسانیکه
بحکم قانون تجارت در عمل تهمت شراکت داشته باشند بتهمت بهم رسانند
موقتا مقید میشود

قاعده دویست و سی و دوم

متهمین افلاس که از جهت و سببی مفلس شده باشند از یکماه تا دو سال الحبس دارند

قاعده دویست و سی و سیم

هر کس بطریق حیله و سایر اسناد تحویلات و نقود و املاک و سایر اشیا
و علی داد و ستد کسی را بسرهم بندی از دست صاحبش بیرون کند از سه ماه
تا سه سال الحبس و از دو تومان تا یکصد تومان جزای نقدی نیز بر ذمه اش
وارد میشود اگر این شخص از مامورین دولت بوده باشد علاوه بر جزای
مقرره از ماموریت خود نیز طرد خواهد شد

فصل نهم در خلاف امانت و سوء استعمال آن

قاعده دویست و سی و چهارم

هر کس هوا و هوس صبی ممیزی را بمقتضای عجز و احتیاج بقرض و عاریه نقدی و
جنسی که موجب ضرر او است مصروف و مجبور نماید و یا اسناد مطالبات
تجارتی در تمسک و برات نقد و قبض و قطعهٔ طلب و غیره از او بگیرد بهر حیله و نحوی
سند بدست بیاورد از دو ماه الی دو سال الحبس و بعد از مطالبه و وصول
غرامت ضرر صبی ربع آن جزای نقدی نیز از وی دریافت خواهد شد
جزای نقدی در هر حال از دو تومان کمتر نخواهد بود
اگر اینگونه مرتکب ولی یا وصی صبی بوده باشد مدت حبس از سه ماه تا سه سال
امتداد خواهد داشت

قاعده دویست و سی و پنجم

هر کس کاغذ سفید مهر و امضا شده را که امانتا بوی تسلیم شده است
در صورت حیله و سرقت باعمال بد استعمال کند و متن کاغذ را بمضمون تعهد
و یا ابراء و یا بضرر مالی و تهمت شخصی صاحب مهر و امضا چیزی بنویسد
از دو ماه تا شش ماه حبس و از ده تومان الی صد تومان جزای نقدی را مستوجب
و دریافت خواهد شد اگر این قسم سفید مهر و امضا امانتا تسلیم نشده
بتقریبی بدست آورده ساختگی و حیله بکار برده باشد همچو کس در حکم
ساختهکاران بجزای ساختکاری مجازات میشود

قاعده دویست و سی و ششم

هرگاه کسی امانتی متضمن تعهد و ابرا با نقود و اشیاء و اموالی بطریق امانت و وکالت عطیه ابراز و اعاده در جائی و وقتی و یا بجهة اعانت در خصوص امری و یا سایر وجوه معهوده فیمابین با اجرت یا بدون اجرت بکسی تسلیم کرده و آنهم قبول استعمال و انجام آن عمل و خدمت کرده باشد بعد در موقع لازم بضرر اصحاب امانت مطالبت را کتم و پنهان کند و یا بمقام تضییع اسباب و فواید آن برآید از دو ماه تا دو سال الحبس و پس از استیفای غرامت ضرر متضمنه ربع ضرر وارده جزای نقدی نیز از وی دریافت خواهد شد اگر خلاف امانت از خدمتکار موظف و روزمزدی و مستاجر و روزنامه نویس و سایر عاملین درباره آمر و استاد صادر شود پس از استرداد ضرر اقلا یکسال الحبس هم میشود

قاعده دویست و سی و هفتم

اسناد و هر نوع نوشته دیگر که در اثنای محاکمه و طرح مرافعه در محکمه ابراز و تسلیم و تودیع شده باشد هر کس اخفا و استراق کرده باشد از دو تومان تا سی تومان جزای نقدی از وی دریافت خواهد شد

فصل دهم در مجازات فسخه امور تجارت و مزایده

قاعده دویست و سی و هشتم

هرکس بمزایده املاک و اموالی که در میان افراد ناس بطور مزایده خرید و فروش یا ایجار و استیجار میشود قولاً و فعلاً اخلال برساند از پانزده روز تا سه ماه حبس و از دو تومان تا دویست تومان جزای نقدی از او مطالبه و دریافت میشود

قاعده دویست و سی و نهم

هرکس زیاده بر قیمت متاع که میل بایع و مشتری است عمداً برخلاف صحت و طور افترا نیز در میان مردم شهرت دهد و یا صاحبان امتعه و ارزاق برای گران فروشی در نگهداشتن و نفروختن اتفاق نمایند و یا در کم و زیاد بهای امتعه و اشیاء و قوایم و اسهام دولتی که در بیع و شرای آن بموجب نرخ معهود ماذون و آزادند متمسک حیله بشوند از یکماه تا یکسال الحبس و از ده تومان تا دویست تومان جزای نقدی از آنها دریافت میشود اگر افعال و حرکات مذکوره در باب اجناس و ارزاق حوایج اصلیه اهالی از قبیل نان و گوشت و هیزم و زغال و سایر ماکول و مصرف ضروریه بوده باشد کیفر مسطوره فوق و مساوی در حق مرتکب و متمسک جاری خواهد شد

قاعده دویست و چهلم

هرکس درباب وزن و معیار طلا و نقره و اصل و بدل جواهر آلات و سایر ذرع و پیمانه و اوزان امتعه و اشیاء مشتری را فریب دهد و در کم و کیف

متاع حیله بکار برد از سه ماه تا یکسال الحبس و بعد از استرداد غرامت ضرر
مشتری و بیع آن جزای نقدی که در هر حال از شش تومان کمتر نباشد از
وی دریافت و ذرع و پیمانش شکسته و تلف خواهد شد

قاعده دویست و چهل و یکم

هر کس بر ضرر امتیاز مؤلفین کتابی طبع کند و یا بدهد بکنند و یا کار مخصوص
باشخاص و شراکتی را بخواهد مداخله و پیشه خود کند و یا حیله در کار دیگر در
باب امتیازات بکار برد و کتب و اوراق مضره با امتیازات و اشیاء ساختگی
ضبط و بصاحبان امتیاز رد و از ده تومان الی دویست تومان جزای
نقدی نیز دریافت خواهد شد و هرگاه اینقسم مطبوعات معموله در ممالک
خارجه را کسی بممالک محروسه داخل نماید کذلک از ده تومان الی بیست تومان
جزای نقدی دریافت و بایع این مطبوعات که دانسته فروش و یا قبول کرده
نیز از ده تومان تا پنجاه تومان جزای نقدی را مستوجب خواهد شد

فصل یازدهم در مجازات قمارباز و جهیزکری و لاتری

قاعده دویست و چهل و دویم

هر کس قماربازی را کار و شغل خود کرده مردم را بمکان مخصوص دعوت
و محلی را قمارخانه ساخته جهیزکری نماید یعنی بطور صرافی پول داد و ستد
کند از یکماه تا شش ماه حبس از دو تومان الی یکصد تومان جزای نقدی را

مستوجب و اشیاء و نقود موجوده قمارخانه بالکل ضبط دیوان خواهد شد

قاعده دویست و چهل و سیم

هر کس برای لاتری و یا نصیب در مکان معین نشسته مشغول این عمل شود
از یکماه الی شش ماه حبس و از دو تومان الی یکصد تومان جزای نقدی دریافت
و اشیاء و نقود موجوده مکان لاتری ضبط دیوان خواهد شد

فصل دوازدهم در مجازات اضاعه مال و اضرار ناس

قاعده دویست و چهل و چهارم

هر کس آلات و اسباب زراعت کسی را بشکند و یا کاخ حیوانات و دخمه
پاسبانی یکی را خراب کند بعد از استیفای ضرر ارباب حقوق از یکهفته
الی شش ماه حبس هم خواهد شد

قاعده دویست و چهل و پنجم

هر کس اسب سواری و عراده و سایر حیوانات باری و سواری و کوسفند
کسی را بلا ضرورت از روی قصد بکشد بنا بدرجه آن در ذیل تادیب
خواهد شد هرگاه حیوان در میان املاک متصرفه و مستاجره و
ملتزمه و یا منتشار که صاحب خود در کاخ و سرآخور و سایر مشتملات
و اراضی بوده باشد مرتکب تلف از یکماه تا شش ماه حبس را رد و اگر در
میان املاک متصرفه و ملتزمه و مستاجره و یا منتشار که شخص متلف

بوده باشد از یکهفته تا یکماه اگر در سایر حیوانها کشته باشد از پانزده
روز تا یکماه و نیم هرگاه حیوانی را بزهر و سم هلاک کرده باشد در هر حال
از سه ماه تا دو سال حبس دارد در کافه صور مذکوره غرامت صاحب حیوان
اخذ و رد و از چهار هزار الی چهار تومان جزای نقدی از متلف و مهلک
دریافت خواهد شد

قاعده دویست و چهل و ششم

هرکس علامت حد و سد اراضی و املاک را محو کند خواه کنده را پر کرده
و یا مرز و چوب تر و خشک که علامات و علایم حد است بهم زده باشد از یکهفته
تا سه ماه حبس و بعد از اخذ و رد غرامت ربع آن جزای نقدی نیز دریافت
خواهد شد

قاعده دویست و چهل و هفتم

هرکس مجرای آبهای معموله معینه آسیاب و سایر دستگاه و حوض و استخر
و آبهای مستاجری و غیره را برخلاف معمول احداث و بنا کند و یا مزارع
و اراضی دیگری را آب انداخته خراب کند بعد از استرداد غرامت ضرر واقعه
ربع آن جزای نقدی نیز از وی دریافت میشود

قاعده دویست و چهل و هشتم

هرکس در جوار ابنیه و جنگل و باغ و بساتین و انبارگاه و علف و سایر

اشیا قابل احتراق من غیر رسم آتش افروخته و یا در میان کوچه و محله
فشنگ انداخته و یا باب تعمیر و تطهیر تنور و اجاق و فر و تنهای معموله
کارخانه‌های طبخ و غیره قصوری و ورزیده کاری بکند که موجب ظهور
حریق گردد از سه روز الی یکهفته حبس میشود و از دو تومان الی
پنج تومان جزای نقدی نیز از وی دریافت میشود

قاعده دویست و چهل و نهم

هرکس کاروانسرا و خانه و سایر اقسام ابنیه و مجرای آب و چشمه و پل
و شارع عام را بالاختیار هدم و خراب بکند در هر حال از سه ماه تا دو سال
حبس و پس از استرداد غرامت مضرات واقعه ربع آن جزای نقدی نیز از
وی دریافت میشود چنانچه در این ضمن تلف نفس و نقص اعضائی هم
واقع شود مجازات تلف و نقص عضو علاوه بر کیفر مقرره خرابی در
باره وی جاری خواهد شد

قاعده دویست و پنجاهم

هرکس در بنای وضع و تنگی ابنیه که از جانب دولت برای انشاء و اقامه آن حکم و
اجازه داده شده بدون سبب ممانعت نماید از یکماه تا یکسال الحبس و غرامت
ضرر واقعه امتناع با انضمام ربع بجای جزای نقدی از مجرم دریافت میشود

قاعده دویست و پنجاه و یکم

هر کس دفاتر اسناد و سجلات و سایر اوراق رسمیه متعلق باوامر حکومتی
و معاملات تجارتیه و صرافیه که اتلافش موجب مضرت بوده باشد بالاختیار
بسوزاند یا قسم دیگر تلف کند از یکسال تا سه سال حبس و از دو تومان
تا سی تومان جزای نقدی دریافت میشود

قاعده دویست و پنجاه و دویم

هرگاه جمعی جمعیت کرده آشکار بزور و جبر اموال و اشیا و محصول
کسی را نهب و غارت و یا ضایع و خراب کنند موقتا مقید و بعد از استرداد
غرامت ضرر واقعه از هر نفری از دو تومان الی صد تومان جزای نقدی
نیز دریافت میشود اگر مرتکبین بتحریک و اغوای دیگری داخل این
غایله و شریک این تاخت و تاز شده باشند و ثابت کرده از یکسال تا
سال حبس میشوند

قاعده دویست و پنجاه و سیم

هر کس محصول درو نشده و سایر نباتات و درخت خودرو یا دست
نشانده را قطع و تلف سازد و تیر چوبی که در جاهای برای کاری نصب
شده باشد بهم بزند و باغ و بستانی را خراب نماید از یک هفته تا
پانزده روز حبس و غرامت ضرر ارباب محصول و غیره اخذ و رد میشود

باب ثالث

درجزای

در جزای قباحت مخالفت بعضی امور محافظه و تنظیمات مملکتی

قاعده دویست و پنجاه و چهارم

هر کس در مراتب مسطوره الذیل مسامحه و بی اعتنائی داشته باشد از
یکهزار تا پنجهزار دینار جزای نقدی از وی دریافت میشود (۱) از قبیل
حمامی و دالاندار و غیره که از جانب امور محافظه و تنظیمیه اعلان شده
باشد که چراغ و فانوس در محلی گذارد نگذارد (۲) کسانیکه بدون ضرورت
چیزی سر راه وضع و یا ریخته باشد که مانع سهولت عبور و مرور مردم
بشود (۳) هرگاه بر حسب ضرورت چیزی سر راه یا در میادین و اسواق
وضع کرده و یا ممر آب و نقبی را باز نموده باشند برای اینکه وقت شب صدمه
بر مترددین وارد نیاید چراغ و فانوس در همچو جاها نگذارند (۴) در باب
تعمیر طرق و هدم ابنیه که مشرف بخرابی است منافی اعلان نظم حرکت نماید
(۵) چیزهای متعفن یکوچه انداختن و کثافات مجتمعه دولابها را سر راه
ریختن که موجب تنفر مترددین و یا آلودگی آنها بوده باشد (۶) وقت ریختن
اینگونه کثافات از بی قیدی بر سر مترددین بریزند و یا اشیائیکه موجب
ضرر عابرین باشد یکوچه بیندازند مثل اینکه پای آنها بلغزد و یا بدامن لباسشان
بچسبد و یا کثافتی از ناودان فرو ریزند (۷) عدم اطاعت باجرا و عادات امور
تنظیفیه و مخالفت اعلان و انتشار تنظیمات ملکیه و بلدیه و موقوف شدن

قاعدهٔ دویست و پنجاه و پنجم

هر کس در دکان و کارخانه باید آتش استعمال کند فرون و اوجاق و دودکشهای آنها را بدفعات تعمیر و تطهیر نماید و در میان محلها و جاهای موجب مضرت فشنگ و فتیله آتش زند و در میان قصبه و قراء طپانچه و تفنگ خالی نماید از بیست و چهار ساعت الی سه روز حبس و از یکهزار الی پنجهزار دینار جزای نقدی را مستوجب خواهند بود

قاعدهٔ دویست و پنجاه و ششم

هر کس از کاروانسرادار و موجرین خانه و اطاق و مهمانخانه و غیره که باید ثبت اسامی مستأجرین را موافق تنظیمات معموله داشته باشند هنگام ضرورت در ابراز دفتر اسامی نسبت بمامورین اهمال و قصور نمایند و کسانیکه در محل جمعیت ناس اسب دوانند و یا دیوانگان و حیوانات درنده و ضاره تحت محافظه را میان کوچه‌ها کنند و یا سکهٔ دولتی را بقیمت معینه قبول ننمایند و یا در حادثات بزرگ مثل ظهور سیل و حریق و اتفاق دزدی و نهب و غارت و سایر جنایتهای آشکار که برای استمداد عمومی فریاد و شکایتی بظهور آید در حین طلب معاونت مقتدراً مسامحه و اعراض نمایند از ششهزار تا یکتومان جزای نقدی از این اشخاص دریافت خواهد شد

قاعدهٔ دویست و پنجاه و هفتم

هر کس میوه و سایر چیزهای پیش ماندهٔ دکان را که پوسیده و بیمصرف شده جز برودخانه و خارج شهر بمحلی بکشد و یا ماکولاتیکه خوردنش مضر صحت وجود بوده باشد بکسی بفروشد کذلک از ششهزار الی ده هزار دینار جزای نقدی از فروشنده دریافت میشود

قاعدهٔ دویست و پنجاه و هشتم

هر کس باختیار سر در کوچه و یا خانه و سایر ابنیه و حوالی باغ و یا عمارت دیگری سنگ و کثافات و سایر اجسام صلبه بیندازد و یا بدون اذن و حقوق بخانهٔ داخل و بلاحق مرور از کشتزار عبور کند کذلک از پنجهزار الی یکتومان جزای نقدی و از بیست و چهار ساعت الی پنج روز حبس دارد

قاعدهٔ دویست و پنجاه و نهم

هر کس باختیار یا اموال منقولهٔ کسی خسارت برساند و یا برهانیدن دیوانگان و حیوانات درنده و یا از حد زیادتر دوانیدن و بار کردن و یا بانداختن سنگ و سایر اجسام صلبه و کندن و گود نمودن زمانی باعث هلاکت و زخم خوردن و جراحت برداشتن حیوان و گوسفند کسی بشود بعد از اخذ غرامت ضرر متضمنه از یکتومان تا پانزده هزار دینار جزای نقدی نیز دریافت خواهد شد

هرکس بدون سبب صدای بلند و فریاد بیهوده و هایهوی و یا حرکت دیگری بکند که مردم را از اشتغال استراحت و آرام نشستن خود باز دارد و یا ملزمها عادت و قرار دخوی را برابن بدهد که اعلان نامه‌های دولتی را که در گذرها آویخته شده از جای خود بکند و یا پاره کند کذلک از یکتومان الی پانزده هزار دینار جزای نقدی از وی اخذ و از سه روز تا یکهفته حبس خواهد شد

قاعده دویست و شصت و یکم

هرکس با اراضی و باغ و بساتین محروز و مزروع و یا درختهائیکه محصول در آنجا جمع آورده باشند حیوان رها کند کذلک از یکتومان الی پانزده هزار جرم و باغرامت اتلاف حاصل از او دریافت میشود

قاعده دویست و شصت و دویم

هرکس در میان اسواق و دکاکین و چارسو و بنگاه و بارانداز و تیمچه‌ها نقود و وزن و میزان فاسد و کیل و ذرع ناقص گذارد و یا بر خلاف وزن و ذرع و کیل معمول مثلا ولو وزن و ذرع و کیل معمول بلاد اینگونه مقیاس و میزان و مکیال ضبط دیوان و از یکتومان الی پانزده هزار دینار جزای نقدی دریافت میشود

قاعده دویست و شصت و سیم

هرکس چیزی را زیاده بر تسعیر معهود که نظاما اعلان شده است بفروشد

کذلک از یکتومان الی پانزده هزار دینار جزای نقدی دریافت و از بیست و چهار ساعت الی سه روز حبس خواهد شد اگر اینگونه اشیاء فروشی از ضروریات عمومی از قبیل نان و گوشت و هیزم و ذغال بوده باشد از سه روز تا یکهفته حبس و از پانزده هزار دینار الی دو تومان جزای نقدی دریافت خواهد شد

قاعده دویست و شصت و چهارم

هرکس از طرق عامه و میدان و سیرگاههائیکه برای منفعت و محفوظ شدن عموم وضع و تخصیص یافته شده باشد یکجائی را بهم زند و یا از طول و عرض آن چیزی ببریده کم گذارد مصارف تعمیریه نقصانیه از وی اخذ و استرداد شده از سه روز الی یکهفته حبس و از پانزده هزار دینار الی دو تومان جزای نقدی نیز دریافت خواهد شد والسلام

عبادان الفرید تمت

فی شهر رجب سنه ۱۲۹۸

فهرست کتاب